



پیام به اروپا

ماموریت عراقچی به سفرای ایران



استعمار قدیم و جدید

رضا داوری اردکانی



روشنفکر تنها

درباره خلیل ملکی



چالش پشت جبهه

سازندگی بررسی می‌کند: در حالی که نیروهای پدافند عامل در جنگ ۱۲ روزه، جانانه ایستادگی کردند چگونه می‌توان به ضعف سازمان پدافند غیرعامل کشور که باید نقش موثری در کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها، تأسیسات حیاتی در برابر تهدیدات طبیعی، سایبری، نظامی و انسانی داشته باشد پرداخت و آن ضعف‌ها را برطرف کرد؟



فائزه مومنی

گروه اجتماعی



جنگ ۱۲ روزه اخیر ابعاد تازه‌ای از آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی و خلأهای پدافند غیرعامل را آشکار کرد. گزارش‌ها تأکید

می‌کنند که «واقعیت میدانی و سایبری» این جنگ نشان‌دهنده «به‌جا ماندن زخم‌های عمیقی بر پیکر زیرساخت‌ها و امنیت روانی جامعه» است و ضرورت «بازنگری جدی در عملکرد سازمان پدافند غیرعامل» را نمایان کرد. هم‌زمان، تحلیلگران هشدار دادند که کشور با «نبرد واقعی در شبکه‌های سایبری و مدارهای اطلاعاتی» مواجه بود و بدون سازوکارهای اطلاعاتی پیشرفته مانند سامانه‌های (C4ISR) در تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای دچار کاستی جدی بود. حملات گسترده سایبری دشمن زیرساخت‌های بانکی، ارتباطی و انرژی را هدف قرار داد و مقامات مجبور به کاهش چشمگیر سرعت یا قطع اینترنت شدند. به‌رغم ادعای مدیران مبنی بر مهار حملات («با تدابیر امنیت سایبری، حملات به موقع خنثی شد») شواهد نشان داد، توان دفاع سایبری در عمل ناکافی بود. حملاتی مانند هک سامانه‌های بانکی (ضرر ۸۱-۴۸ میلیون دلاری به صرافی‌ها و اختلال در بانک‌ها) و نفوذ به سیستم پخش صداوسیما بار دیگر ضعف «پدافند سایبری» را برجسته کرد. گزارش‌ها نشان می‌دهد در این جنگ زیرساخت‌های سایبری ایران هدف حملات سنگین قرار گرفت. گروه هکری موسوم به گنجشک درنده به بانک سپه نفوذ و پایگاه داده آن را تخریب کرد؛ همچنین به صرافی رمزارزی نویتکس حمله کرد که حدود ۹۰ میلیون دلار رمزارز مسدود شد. در پی حملات سایبری گسترده، شبکه اینترنت داخل کشور به‌طور موقت قطع شد تا از نفوذهای بیشتر جلوگیری شود. از منظر ساختاری نیز نهادهای متعددی متولی دفاع سایبری بودند. معاون وزیر ارتباطات اذعان کرد که در روزهای جنگ «خانواده ارتباطات و اکوسیستم دیجیتال کشور زیر فشار مضاعف پایداری خدمات در برابر تهدیدات سایبری بودند»؛ یعنی به‌رغم سختی جنگ، آسیب‌پذیری شبکه‌های اطلاعاتی کشور بر ملا شد.

متخصصان فناوری نیز به نبود یک «ساختار دفاعی سایبری-اطلاعاتی» یکپارچه اشاره کردند که قادر به عمل تهاجمی و مدیریت اطلاعات لحظه‌ای باشد. فقدان چنین ساختاری سبب شد، اطلاعات مربوط به حملات فرودآمده یا مسیرهای نفوذ به‌موقع جمع و تحلیل نشود. در محیطی که جنگ پیشرفته مبتنی بر داده و ارتباطات ماهواره‌ای است، ایران نباید تنها به مقاومت اکتفا کند بلکه باید «مدیریت اطلاعات لحظه‌ای» (C4ISR) را تقویت کند. ضعف در این حوزه به همراه جداسازی سیستم‌های راداری، پهبادی و شنودی، سرعت واکنش را کند و قدرت تصمیم‌گیری فرماندهان را محدود کرد.

ادامه در صفحه ۷



سلوک و سکوت محمود

روایت عطاءالله مهاجرانی
از زندگی و زمانه سیدمحمود دعایی



کافه



یادداشت روز

بازتعریف راهبردی

در کنار مذاکره و آمادگی دفاعی
باید چه استراتژی برای ایران به کار گرفت؟



امیرھوشنگ میرکوش

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

جنگ اسرائیل و ایران که در ژوئن ۲۰۲۵ رخ داد یکی از مهم‌ترین رویدادهای ژئوپلیتیک خاورمیانه در سال‌های اخیر بود. این جنگ زنگ خطری برای کل نظم منطقه‌ای خاورمیانه به شمار می‌رود، چراکه تقابل مستقیم بین دو بازیگر اصلی منطقه از مرحله منازعات به فاز جنگ رسمی و متقابل تبدیل شد و این موضوع خود باعث پیچیدگی بیشتر بحران شده است.

باید توجه کرد که نقش قدرت‌های خارجی در این میان بسیار مهم است اما با توجه به آتش‌بس شکننده فعلی و احتمال از سرگیری مذاکرات همچنان موانع کلیدی زیادی سر راه قرار دارد؛ یکی از مهم‌ترین این موانع، تضمین امنیتی است که ایران بارها از آمریکا درخواست کرده است و باید دید، چشم‌انداز واقعی گفت‌وگو بین ایران و آمریکا چگونه خواهد بود.

با توجه به مذاکرات احتمالی پیش‌رو و گفت‌وگوهای اخیر نتانیاهو با ترامپ که رئیس‌جمهور ایالات متحده اعلام کرده به دنبال آتش‌بس دائمی با ایران است باید دید این وعده‌ها چقدر عملی خواهد بود. در این شرایط باید در چند حوزه بازتعریف راهبردی داشته باشیم و تجدیدنظر کنیم؛ اول، مقوله نفوذ است که سیاست‌گذاران ما باید به دنبال کشف کامل این نفوذ باشند و صرفاً با محدود کردن حضور تعدادی افغان‌ها، این موضوع درست نمی‌شود. دوم، فرصت‌سوزی‌های مکرر در مذاکرات که شاید این دور آخرین فرصت ایران برای بهبود شرایط باشد. مساله سوم هم برتری تکنولوژیک و عملیاتی اسرائیل بود که البته ایران در زمینه بازدارندگی عملکرد قابل قبولی داشت.

اگر بخواهیم راهبردی مطلوب برای ایران در ادامه این وضعیت ترسیم کنیم، مهم‌ترین نکته، اجتناب راهبردی از جنگ مستقیم است و باید تمرکز بر بازدارندگی هوشمند و پاسخ‌های موضعی باشد. همچنین در مذاکرات آتی باید از موضع قدرت نرم و دیپلماسی وارد شد و از آن به نحو درست استفاده کرد. می‌توانیم تضمین‌های امنیتی از آمریکا در مقابل خرابکاری‌های اسرائیل بگیریم و درباره کاهش تدریجی تحریم‌ها در برابر تعهدات گام به گام صحبت کنیم همچنین حمایت اروپا و سازمان‌های بین‌المللی را جلب کنیم.

از سوی دیگر باید روابط منطقه‌ای با کشورهای همسایه مثل عربستان، قطر و امارات احیا شود تا فشار بین‌المللی کاهش یابد؛ به عبارت دیگر سال‌ها شکاف و دوری بین ایران و جهان عرب وجود داشته که باید بازتعریف شود که اخیراً هم گام‌هایی در این راستا برداشته شده است.

ادامه در صفحه ۳



«انگیزه علم پژوهش و خدمت به‌دانشی است»

مازندران

آگهی مناقصه ۱۳/م/۱۴۰۴

دانشگاه علوم پزشکی و

خدمات بهداشتی درمانی مازندران



سال هشتم شماره ۲۰۱۴
یک‌شنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: یادداشت سیاسی

حکمرانی با ملت آگاه

الزام گذار به نظم دسترسی باز در حکمرانی



نوید حسینیون

عضو شورای استان خراسان رضوی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

جنگ ۱۲ روزه با حمله وحشیانه اسرائیل به کشورمان و دخالت آمریکا جهت نابودی زیرساخت‌های هسته‌ای بار دیگر نشان داد که زندگی در منطقه پر تنش خاورمیانه و تأمین امنیت پایدار کشور ممکن نیست مگر با رجوع به توانایی داخلی و احترام و اهمیت گذاشتن به تک تک ایرانیان با هر نوع سبک زندگی و سلیقه، بدون شک اگر اجماع ملی ایرانیان بر نفع خشونت و اتحاد در برابر حمله خارجی و همدلی داخلی نبود شاید روزهای بسیار سخت‌تری برای ایرانمان رقم می‌خورد. جنگ ۱۲ روزه نشان داد که ما ایرانیان با وجود تبعیض و ناکارآمدی و سیاست‌های اشتباه داخلی در موقع بحران می‌توانیم با نگاه باز و آینده‌نگری و وطن‌دوستی کشورمان را در برابر خطر حفظ کنیم. بدون شک این حس ملی نیازمند محافظت با مجموعه‌ای از اقدامات اساسی شامل اصلاحات اساسی در نهادها و ساختارهای حکمرانی، رفع ناکارآمدی و تبعیض‌ها و گام نهادن در رفع بی‌اعتمادی جامعه و ایجاد ساختاری برای رسیدن به توسعه پایدار است. داگلاس نورث، برنده جایزه نوبل اقتصادی در سال ۱۹۹۳ میلادی در کتاب خشونت و نظم‌های اجتماعی، مساله کشورها برای رسیدن به توسعه را نیل جوامع از حکمرانی با دسترسی محدود به شیوه حکمرانی با نظم دسترسی باز می‌داند. در حکمرانی با دسترسی باز، رقابت سیاسی و اقتصادی است که ثبات جامعه را حفظ می‌کند، انبوهی از سازمان‌ها و تشکلهای متنوع و فراگیر باعث به وجود آمدن جامعه مدنی پویا می‌شود و حاکمیت قانون و حفظ حقوق مالکیت باعث به وجود آمدن عدالت و برابری می‌گردد. اگر مبنا و الزام حفظ یکپارچگی ایران باشد باید همه مردم ایران با تفکرات و سلايق مختلف در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داده شوند، نمی‌توان مبنای تصمیمات و سیاست‌گذاری را در قالب یک تفکر و سبک زندگی محدود کرد. جنگ ۱۲ روزه ثابت کرد برای زندگی در منطقه پر تنش خاورمیانه باید به سمت حکمرانی بر مبنای توسعه با همراهی ملتی آگاه رفت، دیگر با سیاست‌های محدودکننده و تبعیض‌آمیز بر مبنای محدودیت برای زندگی اجتماعی و اقتصادی بسته و کشیدن دیوار دور کشور نمی‌توان به امنیت پایدار رسید. باید با اخذ تصمیمات سخت مجموعه‌ای از اقدامات اساسی در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به سمت حکمرانی با نظم دسترسی باز رفت. نظمی که در آن بنیان جامعه با حفظ وحدت در بالا و رسمیت شناختن کثرت در سطح مردم بتوانند از بحران موجود عبور کنند.

خبر

اختلافی نیست

محمدرضا عارف: نظر حاکمیت
کماکان انجام مذاکره با اقتدار است



محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه امروز هیچ اختلافی میان میدان و دیپلماسی وجود ندارد، گفت: ممکن است اختلاف‌نظرهایی در فرآیند تصمیم‌گیری وجود داشته باشد ولی وقتی تصمیمی نهایی و تصویب شد، دیگر اختلاف‌ها پایان می‌یابد. دولت با هیچ جریانی در داخل حاکمیت، اختلافی ندارد. اکنون نظر حاکمیت کماکان انجام مذاکره با اقتدار است. عارف در دیدار با تعدادی از اساتید دانشگاه صنعتی شریف ادامه داد: هم‌اکنون نیز در خصوص هوش مصنوعی و امنیت سایبری از پتانسیل علمی خوبی برخوردار هستیم و ستاد راهبری آن تشکیل شده است که تقسیم کار مناسب میان بخش‌های مرتبط در دولت و بخش خصوصی به ویژه دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه صنعتی شریف صورت خواهد گرفت. وی همچنین با بیان اینکه رویکرد دولت وفای ملی، زوددن فضای امنیتی از محیط دانشگاه است، بیان کرد: این رویکرد باعث شده که فضای دانشگاه‌ها نسبت به گذشته تغییر کند. این تغییر فضا را در نقش‌آفرینی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در مراسم تشییع شهدای اقتدار مشاهده کردیم که بازتاب خوبی داشت. معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به تشکیل کارگروهی با حضور اساتید دانشگاه برای بررسی چگونگی حفظ سرمایه اجتماعی در دفتر معاون اول رئیس‌جمهور، گفت: دولت در سال گذشته برنامه اقتصاد جنگ را با سناریوی کاهش فروش نفت نهایی و تصویب کرد. در ۱۲ روز جنگ هم مردم با دولت همراهی کردند و برخی جزئیات را برای بنزین، مشکلی جدی ایجاد نشد. در شرایط فعلی هم باید به مطالبات و حساسیت‌های اجتماعی مردم توجه کرده و با مردم همراه شویم تا مردم، دولت را خدمتگزار خود دانسته و با دولت همراهی کنند.

پوست اندازی حقوقی

سه حقوق‌دان شورای نگهبان تغییر می‌کنند



هادی طحان‌نظیف



محمدرضا صارمی



غلام‌رضا مولاییگی



سیدبهراد پورسید



ذبیح‌الله خدائیان

از آنکه ایشان نطق خود را شروع کند از طرف یکی از سه حقوق‌دان دیگر شورای نگهبان با ایشان تماس گرفته و به ایشان گفته شد که انصراف بدهد تا فلان شخص رأی بیاورد. آقای غلامی هم با فشار برخی اعضای هیات رئیسه مجلس که با آن تماس‌گیرنده هماهنگ بودند، انصراف داد و بعداً در پیامکی برای من نوشت که این انصراف غیرارادی بود. ... اکثر این چهار نفر هم دچار جمود فکری بودند و برخی از آنها هم اساساً حقوق‌دان به معنی واقعی کلمه نبودند. ... می‌بینید یکی از آن سه حقوق‌دانی که با معرفی شما به شورای نگهبان راه یافتند، امروز در بررسی صلاحیت یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری مشکل آفریده و حق او را ضایع کرده است، همان طور که در انتخابات مجلس یازدهم نیز برخورد غیرمنطقی و جمودآمیز با من داشت.»

ترکیب حقوق‌دانان شورای نگهبان با حذف محسن اسماعیلی و نجات‌الله ابراهیمیان که در مقایسه با بقیه حقوق‌دانان عضو شورا، نگاه مستقل‌تری داشتند به شکل محسوسی محافظه‌کارتر شد. از همان موقع گمانه‌زنی می‌شد که برای حذف کاندیداهای انتخابات مجلس و ریاست جمهوری برنامه است. با حذف چهره‌هایی چون محسن اسماعیلی و نجات‌الله ابراهیمیان که به استقلال نسبی در مواضعشان شهرت داشتند، ترکیب شورای نگهبان به شکلی آشکار محافظه‌کارتر شد. تحلیل‌گران از همان زمان پیش‌بینی می‌کردند که شورای نگهبان با این ترکیب جدید، گام‌هایی جدی‌تر در رد صلاحیت کاندیداهای اصلاح‌طلب و مستقل بردارد؛ پیش‌بینی‌ای که در عمل نیز محقق شد.

جالب آنکه خود صادق لاریجانی زمانی که صادقی مقدم را به عنوان حقوق‌دان به مجلس معرفی کرد، هرگز تصور نمی‌کرد که روزی همین فرد مانعی بر سر راه ریاست‌جمهوری برادرش شود.

رای‌گیری سرنوشت‌ساز در راه

با نزدیک شدن به تاریخ ۲۶ تیر، دوره عضویت سه عضو حقوق‌دان شورا یعنی هادی طحان‌نظیف، غلامرضا مولاییگی و محمدحسن صادقی‌مقدم به پایان خواهد رسید. مولاییگی سال ۱۴۰۰ و پس از استعفای محمد دهقان به عضویت شورا درآمد. طحان‌نظیف و صادقی‌مقدم نیز هر دو در ۲۵ تیر ۱۳۹۸ با رأی مجلس دهم وارد شورا شدند.

بر اساس ماده ۵ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، اعضای که در میانه دوره جایگزین شده‌اند فقط برای مدت باقی‌مانده منصوب می‌شوند. بنابراین دوره عضویت سیداحمد خاتمی (که جایگزین آیت‌الله یزدی در ۱۳۹۹ شد)، سیداحمد حسینی‌خراسانی (که جایگزین صادق لاریجانی در ۱۴۰۰ شد) همچنین آیت‌الله اعرافی (که در ۲۴ تیر ۱۳۹۸ منصوب شده بود) نیز پایان خواهد یافت. در میان ۶ گزینه‌ای که رئیس قوه قضائیه معرفی کرده، افراد با سوابق و گرایش‌های متفاوت دیده می‌شوند. برای مثال:

سیدبهراد پورسید، دکترای حقوق خصوصی، معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه و استاد دانشگاه امام صادق (ع).
ذبیح‌الله خدائیان، دکترای حقوق کیفری، رئیس فعلی سازمان بازرسی کل کشور با سابقه‌ای طولانی در قوه قضائیه.
محمدرضا صارمی، رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه و از چهره‌های نزدیک به محسنی‌اژه‌ای.
محمدرضا صابر، مستشار دیوان عالی کشور و نویسنده در حوزه حقوق نفت و گاز.
غلامرضا مولاییگی، عضو فعلی شورای نگهبان و دارای سابقه طولانی در دیوان عدالت اداری.

هادی طحان‌نظیف، سخنگوی فعلی شورای نگهبان و استاد دانشگاه امام صادق (ع) با سابقه فعالیت در سازمان بسیج حقوق‌دانان.

بر اساس اعلام عباس گودرزی، سخنگوی هیات‌رئیسه مجلس، رأی‌گیری برای انتخاب سه حقوق‌دان شورای نگهبان در پایان هفته جاری برگزار خواهد شد. تا روز سه‌شنبه ۲۴ تیرماه مشخص خواهد شد که کدام چهره‌ها می‌توانند از فیلتر رأی اعتماد مجلس عبور کنند. تحولات پیش‌رو نته‌تها ترکیب شورای نگهبان را تغییر خواهد داد بلکه احتمالاً جهت‌گیری‌های آینده این نهاد هم را نیز متأثر خواهد کرد؛ نهادی که همچنان نقشی کلیدی در تعیین صلاحیت کاندیداهای انتخاباتی و تصویب قوانین کشور دارد.

در آن زمان، لاریجانی در توتیتی نوشت: «از وزارت اطلاعات با قاطعیت مطلبی نقل می‌کنند، حال آنکه با پرسش از معاونت مربوطه در وزارت اطلاعات به صراحت این مطلب تکذیب می‌شود.» بعداً با توتیت حسین جعفرزاده از نزدیکان صادق لاریجانی، مشخص شد فردی که این گزارش علیه لاریجانی را ارائه کرده بود، کسی جز محمدحسن صادقی‌مقدم نبوده است.

صادقی‌مقدم نخستین بار در مرداد ۱۳۹۷ از سوی صادق لاریجانی برای عضویت در شورای نگهبان به مجلس معرفی شد اما موفق به کسب رأی اعتماد نشد. در تیرماه ۱۳۹۸ مجدداً از سوی ابراهیم رئیسی به مجلس معرفی شد و این بار توانست رأی اعتماد بگیرد. وی بلافاصله به عنوان معاون اجرایی و امور انتخابات



محمدحسن صادقی مقدم

شورای نگهبان منصوب شد و در انتخابات‌های بعدی، نقشی کلیدی و تعیین‌کننده یافت.

در انتخابات مجلس یازدهم و ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ صادقی‌مقدم در جایگاه تصمیم‌ساز در تأیید یا رد صلاحیت‌ها ظاهر شد. حضور او در هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات همراه با احمد جنتی، احمد خاتمی، غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، عباس کدخدایی و دیگران، عملاً به حذف بسیاری از چهره‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب انجامید. صادقی‌مقدم که از قدیم‌الایام رئیسی را می‌شناخت و روابط نزدیکی با وی داشت در انتخابات ۱۴۰۰ یکی از عوامل اصلی رد صلاحیت لاریجانی بود تا راه برای رسیدن رئیسی به پاسستر هموار شود. همکاری این دو به بیش از ۳۵ سال پیش برمی‌گردد.

در دی ماه ۱۳۹۲ صادقی‌مقدم راهش به شورای نگهبان باز شد و با حکم احمد جنتی به عنوان مشاور عالی دبیر شورای نگهبان در امور حقوقی و سیاسی منصوب شد.

البته صادق لاریجانی در مردامه‌ماه ۱۳۹۷ وی را به همراه «سیامک رهییک» معاون اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان و «احمد بیگی حبیب‌آبادی» از همراهان سعید مرتضوی و مشاور پیشین رئیس قوه قضائیه به عنوان سه گزینه پیشنهادی حقوق‌دان شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد اما وی رأی نیلورد و از رایایی به شورای نگهبان باز ماند.

۱۱ ماه بعد از آن در تیرماه ۱۳۹۸ صادقی‌مقدم بار دیگر از سوی ابراهیم رئیسی به همراه هادی طحان‌نظیف، عضو سازمان بسیج حقوق‌دانان که از سال ۱۳۸۸ وظیفه دبیری جلسات شورای نگهبان را بر عهده داشت، محمد دهقان معاون سیاسی سابق سازمان بسیج دانشجویی، عبدالحمید مرتضوی و علی غلامی برای عضویت در شورای نگهبان به مجلس معرفی شدند و در نهایت صادقی‌مقدم به عضویت شورای نگهبان درآمد و بلافاصله به عنوان معاون اجرایی و امور انتخابات این شورا معرفی شد. وی در بهمن‌ماه ۱۳۹۹ همراه با احمد جنتی، احمد خاتمی، محسنی‌اژه‌ای، عباس کعبی، عباس کدخدایی و سیامک رهییک، اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات را تشکیل دادند.

آن موقع علی مطهری در نامه سرگشاده‌اش به سیدابراهیم رئیسی در مورد چگونگی راه یافتن اعضای جدید حقوق‌دان به شورای نگهبان نوشته بود: «حتما به یاد دارید که برای انتخاب سه حقوق‌دان شورای نگهبان توسط مجلس دهم شما پنج نفر را معرفی کردید. آقای دکتر غلامی خوش‌فکرترین آنها بود.... اما چند دقیقه قبل



سال هشتم شماره ۲۰۱۴
یک‌شنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق

جولانی در باکو

رئیس دولت موقت سوریه در چه شرایطی به دیدار علی اف رفت؟

گروه بین‌الملل: احمد الشرع، رئیس موقت سوریه معروف به ابومحمد الجولانی (شنبه) در سفری کاری به جمهوری آذربایجان سفر کرد. خبرگزاری آفا در گزارش خود اعلام کرد، گارد تشریفات در فرودگاه بین‌المللی حیدر علی‌اف برای استقبال از وی در این فرودگاه حاضر شد. بر اساس این گزارش، جولانی مورد استقبال یعقوب ایوبوف معاون اول نخست‌وزیر جمهوری آذربایجان، فریز رضایف معاون وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان و دیگر مقامات این کشور قرار گرفت. جولانی (ظهر شنبه) سپس با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور این کشور دیدار و گفت‌وگو کرد و بر اساس بیانیه ریاست جمهوری سوریه این دیدار در کاخ «زاگولبا» در باکو و با حضور مقام‌های ارشد دو کشور برگزار شد. پس از این دیدار، خبرگزاری آفا با انتشار گزارشی اعلام کرد که الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در دیدار با جولانی در باکو اعلام کرد که گاز آذربایجان در آینده نزدیک به سوریه صادر خواهد شد. در این گزارش آمده است که اهمیت همکاری میان آذربایجان و سوریه به‌ویژه در حوزه انرژی در این دیدار مورد توجه قرار گرفته و مطرح شد که سوریه در حال حاضر با مشکل جدی انرژی مواجه است. در همین

راستا تأکید شد که پروژه‌ای برای صادر کردن گاز آذربایجان از ترکیه به سوریه در آینده نزدیک به اجرا درخواهد آمد و این امر به بهبود امنیت انرژی سوریه کمک خواهد کرد. در این دیدار مطرح شد که آذربایجان قادر به کمک به احیای بخش انرژی سوریه است.

جولانی در چه شرایطی به آذربایجان رفت؟

آنچه در این راستا مهم به نظر می‌رسد این است که جولانی دقیقاً در شرایطی به باکو سفر کرده که اخیراً سوریه دور جدیدی از مذاکرات پنهان و غیرمستقیم با میانجیگری امارات را با اسرائیل شروع کرده است. این مذاکرات در فضایی جریان دارد که از یک سو ارتش اسرائیل در جنوب سوریه در حال تثبیت مواضع خود و حتی ساخت پایگاه‌های نظامی در خاک این کشور است و از سوی دیگر جولانی از سوی ایالات متحده برای رسیدن به توافق با اسرائیل زیر فشارهای متعدد قرار دارد؛ تا جایی که به صورت واضح از وی درخواست شده تا بخش اعظمی از جولان را به اسرائیل واگذار کند و اصولاً این بلندی‌ها را متعلق به اسرائیل بداند. از سوی دیگر باید توجه شود که اسرائیل در حال تحریک

دیپلماسی

پیام به اروپا

عراقچی در جمع سفرا، کارداران و روسای نمایندگی‌های خارجی و بین‌المللی، فعال‌سازی اسنپ‌ک توسط اروپایی‌ها را مساوی با پایان نقش آنها در پرونده هسته‌ای ایران اعلام کرد



فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل

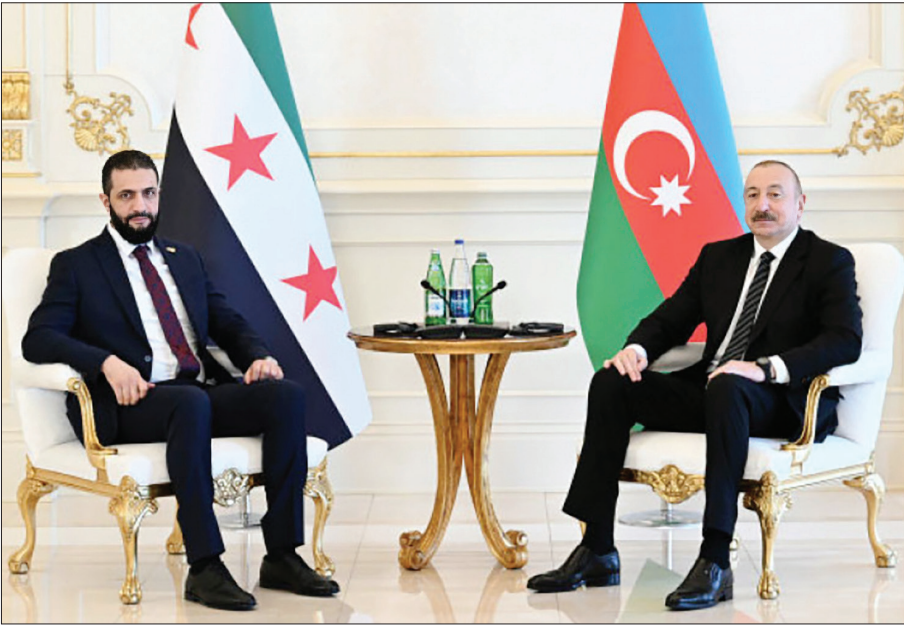
سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (شنبه) در نشست با سفرا، کاردارها و روسای نمایندگی‌های خارجی در تهران درباره تحولات اخیر پیرامون سیاست خارجی ایران، مذاکرات و سایر مسائل توضیحاتی را ارائه داد. او درباره موضع دولت‌ها در قبال حملات اسرائیل به ایران اعلام کرد که حدود ۱۲۰ کشور تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران را محکوم کردند اما متأسفانه شورای امنیت این تجاوزات را محکوم نکرد و شورای حکام نیز حاضر نشد که این تجاوزات را محکوم کند. در این حملات، تأسیسات هسته‌ای ایران آسیب دید ولی آسیب بیشتر متوجه معاهده منع اشاعه و حقوق بین‌الملل شد.

بازگشت به دیپلماسی

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران همچنین تصریح کرد که هیچ راهی جز بازگشت به دیپلماسی و یک راه‌حل مذاکره شده و توافق شده، وجود ندارد و جنگ اخیر این موضوع را بیش از پیش ثابت کرد. عراقچی در ادامه گفت، ایران کساکان آمادگی دارد که از مسیر دیپلماسی این اطمینان را ایجاد کند، البته قبل از آن باید طرف‌های مقابل برای ما اطمینان ایجاد کنند که خواهان دیپلماسی هستند نه اینکه دیپلماسی پوششی برای اهداف و مقاصدشان است.

همکاری با آژانس قطع نشده است

رئیس دستگاه دیپلماسی با بیان اینکه ایران عضو متعهد ان‌بی‌تی بوده است و با آژانس همکاری داشته صراحتاً اعلام کرد که همکاری ما با آژانس متوقف نشده فقط شکل جدیدی به خود گرفته است. از این به بعد ارتباط با آژانس از طریق شورای عالی امنیت ملی مدیریت می‌شود. او در این خصوص گفت که تقاضای آژانس برای ادامه همکاری با ایران مورد به مورد توسط شورای عالی امنیت ملی بررسی می‌شود و با در نظر گرفتن ایمنی و امنیت در ارتباط با آن تصمیم‌گیری می‌شود. این یک واقعیت است که تأسیسات هسته‌ای ما مورد حمله نظامی قرار گرفته و نزدیکی به این مراکز در حال حاضر دارای خطراتی است از جمله اشاعه مواد رادیواکتیو و یا انفجارات مهمات باقی مانده از جنگ و برای ما به خاطر اینکه بازرسان به این مراکز نزدیک شوند، موضوع امنیت و ایمنی مورد توجه است. وی همچنین تأکید کرد که همکاری ما با آژانس قطع نشده و شکل و مسیر جدیدی به خود گرفته است.



قرار دهیم، می‌توان به این خروجی رسید که اسرائیل یا از طریق ایالات متحده و یا به صورت دیگری به دنبال اعمال فشار بر جولانی است تا از او به عنوان یک مهره منطقه‌ای برای پیشبرد اهداف خود (حداقل در نمای کلی) استفاده کند. نکته نهایی این است که سفرهای متعدد جولانی به کشورهای منطقه، برداشتن تحریم‌های سوریه (لغو قانون سزار) و حذف نام تحریرالشام (شاخه سوروی القاعده) از سوی ایالات متحده، نوعی از بازی واشنگتن برای نمایان کردن قدرت و نفوذ خود است؛ چراکه ترامپ بارها اعلام کرده که به خواست «او» سوریه این مراحل را به سرعت طی می‌کند!

ادامه یادداشت روز

بازتعریف راهبردی

در عین حال باید با واقع‌بینی نسبت به روسیه و چین روابطمان با آنها را مدیریت کنیم؛ این دو کشور تاکنون حمایت قابل توجهی از ایران نداشته‌اند و نباید اتکای مطلق به آنها داشت. در عین حال می‌توانیم ظرفیت‌های کشورهای غیرغربی را در چارچوب سازمان‌هایی مثل شانگهای و بریکس به کار بگیریم. نباید از یاد بُرد که حلقه مفقوده مهم در این میان اروپاست. به دلیل همراهی ایران با روسیه در جنگ اوکراین، اروپا در مقابل ایران جبهه گرفته و اکنون می‌تواند مکانیسم ماشه را فعال کند. باید ارتباطمان را با اروپا قوی‌تر کنیم و در زمینه اقتصادی امتیازاتی بدهیم و بگیریم تا حداقل اروپا مخالف ایران نباشد. یکی دیگر از نکات مهم، مهار جنگ روانی و شناختی است. این جنگ تأثیرات روانی زیادی بر مردم ایران گذاشته و افکار عمومی داخلی و خارجی به خوبی مدیریت نشده است. باید روایت‌های مستند، صادقانه و محکم درباره جنگ منتشر کنیم و فضای التهاب‌آمیز رسانه‌ای را کاهش دهیم. قطع اینترنت و فیلتر شدن موجب تشدید نفوذ دشمن می‌شود؛ باید بتوانیم روایت خود را به شکل موثر منتقل کنیم و رسانه ملی هم باید در این زمینه عملکرد بهتری داشته باشد. علاوه بر این باید از تهدیدهای لفظی و شعارهای بدون پشتوانه پرهیز کنیم و فضای کشور را به سمت آرامش و ثبات هدایت کنیم. در این زمینه باید دیپلماسی عمومی و فرهنگی را تقویت کنیم؛ فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی را به عنوان نقطه قوت به کار بگیریم تا بتوانیم این دوران سخت را پشت سر بگذاریم. در نهایت باید به سمت آرامش و ثبات حرکت کنیم. صلح صرفاً به معنای پایان جنگ نیست بلکه باید به آتش‌بس پایدار مبتنی بر قرارداد تبدیل شود که راهبردی جامع برای بقای نظام، کشور و توسعه در عرصه بین‌المللی باشد. این رویکرد نیازمند سه مولفه اصلی اعم از قدرت مردمی، توسعه اقتصادی و دیپلماسی فرهنگی همراه با توان دفاعی هوشمندانه است و با این ترکیب می‌توان وضعیت پایدار و مثبتی برای آینده ایران فراهم کرد.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا قَانٍ

برادر ارجمند

جناب آقای دکتر مجید جعفری

ریاست محترم سازمان جهادکشاورزی خراسان رضوی

مراتب تسلیت بنده را در فقدان مادر گرامی‌تان پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی

و خلد برین سرایشان باد.

امیر اقتناعی

هسته‌ای ایران است. به این دلیل با توجه به تجربه‌ی اخیر که شاهد آن بودیم، امیدواریم که عقلانیت به کشورهای اروپایی و آمریکا برگردد و آنها با کنار گذاشتن ابزار فشار به دیپلماسی برگردند؛ چراکه هیچ راه‌حلی جز راه‌حل مذاکره شده، وجود ندارد.

مذاکره نباید مجدداً به جنگ کشیده شود

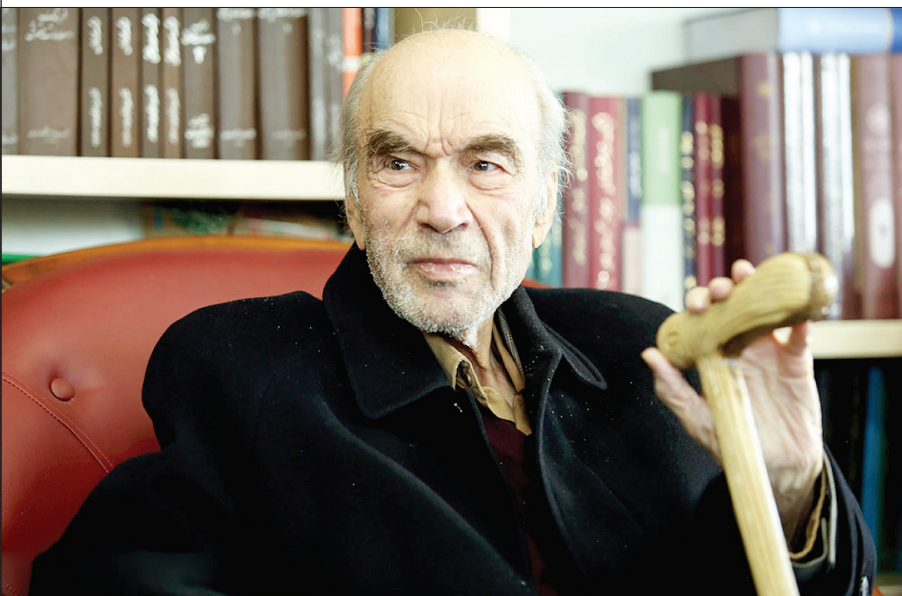
وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در بخشی از سخنان خود گفت که ما همواره آماده گفت‌وگو در خصوص برنامه هسته‌ای خود بوده‌ایم و در آینده هم خواهیم بود ولی طبیعی است که باید این اطمینان حاصل شود که اگر مذاکراتی دوباره شروع شود توسط آمریکا و یا کشورهای دیگری به جنگ کشیده نمی‌شود.

درباره توانمندی‌های نظامی مذاکره نمی‌کنیم

عراقچی همچنین گفت که ایران توانمندی‌های خود را به خصوص توانمندی نظامی‌اش را در هر شرایطی حفظ می‌کند و در جنگ اخیر به خوبی قدرت نظامی خود را نشان داد و این توانمندی موضوع هیچ مذاکراتی نخواهد بود. وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود در این نشست گفت بیش از ۲۰ سال است که جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند که صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود را به کشورهای که در این زمینه نگرانی دارند، ثابت کند و ما هر مسیری بوده، رفته‌ایم تا ثابت کنیم که برنامه هسته‌ای ایران بر اساس فتوای رهبری صلح‌آمیز است و صلح‌آمیز خواهد بود و اگر ما قصدی برای حرکت به سمت سلاح هسته‌ای داشتیم، پیش از این انجام داده بودیم و یا شاید الان بهترین بهانه را داشتیم ولی ما به اصولی پایبند هستیم که برگرفته از اعتقادات اسلامی و انسانی ماست، ما سلاح هسته‌ای را نه تنها غیرانسانی بلکه غیراسلامی نیز می‌دانیم.

استعمار قدیم و جدید

نظر دکتر رضا داوری اردکانی دربارهٔ اشکال و ادوار استعمار



دکتر رضا داوری اردکانی، فیلسوف و اندیشمند ایرانی، استاد ممتاز فلسفه دانشگاه تهران، یکی از برجسته‌ترین متفکران تأثیرگذار ایران معاصر است که با بیش از ۷۰ کتاب، صدها مقاله و حضور در گفت‌وگوها، نشست‌ها و مناظرات علمی، آراء و نظام اندیشگانی خود را شرح داده است. دکتر داوری در پاسخ به سؤالات مجموعه «استعمارشناسی ایرانی» که توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در قالب ۶ مجموعه تخصصی پنج جلدی تهیه و منتشر شده نظراتش در این حوزه را بیان کرده است. او دربارهٔ پیشینهٔ استعمار و ادوار مختلف آن گفته است: «استعمار تاریخ ۲۰۰ ساله دارد. این تاریخ را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: استعمار قدیم که تا زمان جنگ بین‌الملل دوم دوام یافت و چون از آن زمان وضع دیگر پیدا کرد، وضع جدید را استعمار نو نامیده‌اند. شناخت این وضع جدید اندکی دشوار است. تفسیرهای مختلف و متفاوتی هم که از آن شده است، پیچیدگی و دشواری را نشان می‌دهد. استعمار جدید لااقل در صورت اخیرش استعمار پنهان و پوشیده است. کشور ما هرگز مستعمره نبوده اما از همان آغاز تاریخ استعمار که زمان رسیدن اروپا به قدرت علمی و سیاسی و نظامی بود مورد تعرض و مداخله قدرت‌های جهانی قرار گرفته و از آن‌ها آسیب‌های بزرگ دیده است. مسألهٔ استعمار و چستی آن و اینکه از کجا آمده و اروپا چرا و چگونه به قدرت رسیده است تا اواخر قرن نوزدهم حتی برای اروپاییان هم مطرح نبود. اما به هر حال مردم کشورهای گرفتار استعمار و دستخوش مداخلهٔ دیگران، نمی‌توانستند در برابر این تعدی و تجاوز بی‌اعتنا بمانند و عکس‌العمل مخالف خود را به صورت‌های مختلف نشان دادند. چنانکه اشاره شد، کشور ما مستعمره نشد. دیگر کشورهای اسلامی هم مستعمره نبودند. هر چند که وضع‌شان از وضع ما بدتر بود. تنها کشوری که جمعیت عظیم مسلمان داشت، کشور یا شبه‌قارهٔ هند بود که مردم شرق و غربش مسلمان بودند. در این کشور هم مسلمانان و هم غیرمسلمانان، در برابر استعمار در نظر و عمل، ایستادگی نشان دادند و این ایستادگی بی‌ارتباط و بدون نسبت با فرهنگ و اعتقاداتشان نبود. سیدجمال‌الدین اسدآبادی در ایران و اقبال لاهوری در هند تاحدودی به وضع خود در برابر استعمار اندیشیدند و برای رهایی از آن، راه جستند. اینکه این راه پیمودنی بود و چگونه پیموده شد، مطلبی است که جای بحثش اینجا نیست و من هم توانایی ورود به آن را ندارم. اما نکته‌ای که به‌خصوص باید به آن توجه کرد، مراحل مواجهه با استعمار در ۲۰۰ سال اخیر است. این مواجهه به نظر من سه مرحله دارد و هر مرحله‌ای وجه خاص داشته است. در مواجهه اول، تلقی فرهنگی و قومی و دینی غلبه داشت سپس با پدید آمدن روح ملی و ملیت، مواجهه با استعمار به‌صورت نهضت‌های ملی برای رسیدن به استقلال سیاسی به‌وجود آمد. متأسفانه این نهضت‌ها خیلی زود شکست خوردند و با این شکست مرحلهٔ دیگری در تاریخ استعمار به‌وجود آمد و استعمار صورت تازه‌ای پیدا کرد که گفتیم، استعمار نو نامیده شد. در این استعمار، عمال محلی قدرت‌های استعمارگر جای مقام‌های اروپایی را در کشورهای مستعمره و استعمارزده گرفتند. نهضت استقلال‌طلبی هم صورتی دیگر پیدا کرد. صورتی که در آن عنصر دینی اثر کم‌وبیش تعیین‌کننده داشت. در این

مرحله، عمل بر نظر غالب بود و تا آنجایی که من می‌دانم، آثار مهمی در تحلیل وضع استعمارنو نوشته نشد. نمی‌دانم آیا باز هم می‌توان در این دوره از وضع استعماری سخن گفت یا نه. اما به هر حال دوران کنونی را زمان پس از استعمار می‌دانند. وضعیت پس از استعمار در صورتی معنی دارد که استعمار پایان یافته باشد که البته استعمار رسمی پایان یافته است؛ یعنی دیگر استعمار جزئی از برنامه‌های سیاسی دولت‌ها در غرب نیست. اکنون جهانی که پیش از این مستعمره بوده یا استعداد مستعمره بودن داشته در حاشیه جهان جدید قرار گرفته بی‌آنکه از وضع خود خبر داشته باشد و بداند که نه فقط مصرف‌کنندهٔ کالا‌های تولیدی صاحبان قدرت تکنولوژی است بلکه شاید فهم و درکش با خرد مشترک زمان جدید میزان می‌شود. این وضع غفلت در راه نبودن و در حاشیه قرار داشتن را من صفت خاص توسعه‌نیافتگی یافتم. اگر این درک جایی و وجهی داشته باشد باید به وضع کنونی و نسبت میان قدرت‌های جهانی و کشورهای در راه توسعه و توسعه‌نیافته بیشتر اندیشید. در این راه باید اندکی بیشتر به تاریخ توجه کنیم و به‌خصوص در تاریخ معاصر کشورمان و وضع کنونی جهان تأمل کنیم.»

شرق‌شناسی در خدمت استعمار

دکتر داوری دربارهٔ ابعاد «آنتولوژیکال» استعمار هم می‌گوید: «غرب یک سیاست نیست و زمام اختیارش یکسره در دست قدرت سوداگران سیاسی – اقتصادی اروپا و آمریکا نبوده است. غرب موجودیت تاریخی است و به‌صورت نظام فکری و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی قوام یافته است. غرب در این صورت جدید تا ۳۰۰ سال پیش هرگز در هیچ جا وجود نداشته است. این غرب در اروپای دوران جدید به‌وجود آمده و طی ۴۰۰ سال بسط و تحقق یافته و اکنون به‌نظر می‌رسد که تاریخش رو به پایان باشد. بیشتر فیلسوفان نیمهٔ دوم قرن بیستم، این دوران را دوران تجدد نامیده‌اند. از اوصاف این غرب یا تجدد، یکی این است که سودای جهان‌گشایی دارد و همه مردم جهان را به پذیرش اصول و قواعد خود می‌خواند، گویی می‌خواهد به دین تشبیه کند. استعمار هم که ابتدا امری سیاسی – اقتصادی بود، اکنون وجهی از سودای غربی کردن جهان از طریق استیلای مصرف اطلاعات و تکنولوژی یافته است. در استیلای تجدد اما همواره فرهنگ، راهنمای سیاست بوده است. برخلاف آنچه گاهی می‌پندارند، شرق‌شناسی ساخته و پرداخته و آورده استعمار نیست بلکه راه را برای استعمار و استیلای قدرت‌های جهانی هموار کرده است. اکنون از استعمار کمتر حرف زده می‌شود. اما سودای غربی کردن جهان در اروپا و آمریکا و میل به غربی شدن در سراسر روی زمین وجود دارد و روزبه‌روز بیشتر می‌شود. البته، غرب و تجدد دیگر نیروی گسترش قرون ۱۸ و ۱۹ را ندارند و جهان توسعه‌نیافته نیز چنان‌که باید از امکان نزدیک شدن بیشتر به فرهنگ تجدد، بی‌بهره است. شاید مسیری که جهان کنونی در آن می‌رود به ایده‌آل‌های فرهنگ تجدد نیز نظری نداشته باشد اما به هر حال آدمیان را به شیوه زندگی جدید و مصرف‌کنندگان اشیاء، تکنیک و اطلاعات فضای مجازی مبدل می‌کند.»

منبع: اینپنا

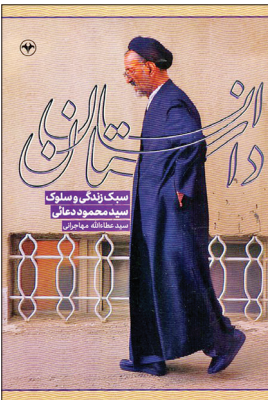
سلوک و سکوت محمود

داستان انسان روایت سیدعطاءالله مهاجرانی است
از زندگی و سلوک زنده‌یاد سیدمحمود دعائی

و یادی و خاطره‌ای از او داشت، جست‌وجو کردم. گویی شخصیت او مانند پازل یا معمایی به قطعات مختلف تقسیم شده بود و تکه‌های خاطره در گوشه و کنار در دل‌ها و ذهن‌ها زندگی می‌کرد و بر زبان‌ها می‌گشت. باید این خاطره‌ها را شکار کرد و کنار هم قرار داد. نسبت بین خاطرات را سنجید تا شمایل و طرح شخصیت و منش و سلوک سیدمحمود دعائی را دریافت. البته او به تعبیر آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی نیا، شخصیتی «مکتوم» و به تعبیر دکتر ابوالقاسم قاسم‌زاده «پیچیده» داشت. او می‌توانست سکوت کند، زمام نفشش را در کف بگیرد، تأمل و تحمل کند. او می‌توانست پایاب شکیبایی‌اش را در افق‌های دوردست قرار دهد. و «از دست نخواهد شد، پایاب شکیبایی» از این‌رو در بسیاری موارد با سکوت و تبسم و گاه یک کلمه سخن می‌گفت. می‌بایست از همان سکوت و تبسم و یک کلمه به آستانه و یا آسمان وجود او راه برد و سخن او که بسیاری مواقع همان خط سوم به روایت شمس است را شناخت. در واقع مکاشفه یک انسان، چنان‌که در کتاب «حکمت‌های بیابان» آمده، سفری معنوی است، سفری به غایت دشوارتر و پیچیده‌تر از سفر به سوی آسمان‌ها، ژرفاهای آسمان‌های جان، ژرف‌تر از آسمان این جهان است.»

نقش مادر

تصویری که مهاجرانی در «داستان انسان» از دعائی ارائه می‌دهد در عین حال که ناظر به زندگی فردی اوست در بستر تحولات گسترده‌تری چون انقلاب اسلامی ایران و شرایط اجتماعی دهه‌های پس از آن قرار می‌گیرد. از جمله بخش‌های قابل توجه کتاب، اشاره به ارتباطات خانوادگی دعائی به‌ویژه نقش مادر او در شکل‌گیری برخی ویژگی‌های فکری و رفتاری‌اش است. در بخش «والایی مقام محمود» آمده: «آیت‌الله محمدجواد



داستان انسان

سبک زندگی و سلوک
سیدمحمود دعائی
سیدعطاءالله مهاجرانی
انتشارات اطلاعات
۴۴۰ صفحه
۳۵۰ هزار تومان

تصویری از سبک زندگی، باورها و شیوه ارتباط او با جامعه و اطرافیان ارائه دهد و در دیپاچه کتاب می‌نویسد: «داستان انسان، فرصتی بود برای اندیشیدن و مکاشفهٔ شخصیت سیدمحمود دعائی. آنچه از او روایت شده و یا او خود روایت کرده بود را بارها خواندم. در خاطرات بیش از ۴۰ سال دوستی جست‌وجو کردم. در سفر و حضر، نکته‌ها را به یاد آوردم و دوباره و چندباره با یاد صدای خوش‌نوی او خاطرات برابم زنده شد. از اعضای خانواده و از هر کس نشانی

گزارش: سینمای جهان

برگمان نازی بود

بازیگر سرشناس سوئدی ادعا کرد برگمان ارادت زیادی به هیتلر داشت

توجیه می‌کردیم اما احساس می‌کنم او دیدگاه بسیار عجیبی نسبت به دیگران داشت. باور او این بود که بعضی از آدم‌ها ارزشش را ندارند و او با آنها مهربان نبود». با این اظهارات بی‌شک بحث‌های تازه‌ای درباره زندگی شخصی برگمان ایجاد می‌شود. تاکنون هیچ سند و حرفی درباره همدردی برگمان با نازی‌ها مطرح نشده بود و سوئد در طول جنگ بی‌طرفی خود را حفظ کرده بود. اکنون سخنان این بازیگر نشان می‌دهد شاید به لایه‌هایی از شخصیت این فیلمساز تاکنون توجه نشده باشد. وی با اشاره به اینکه

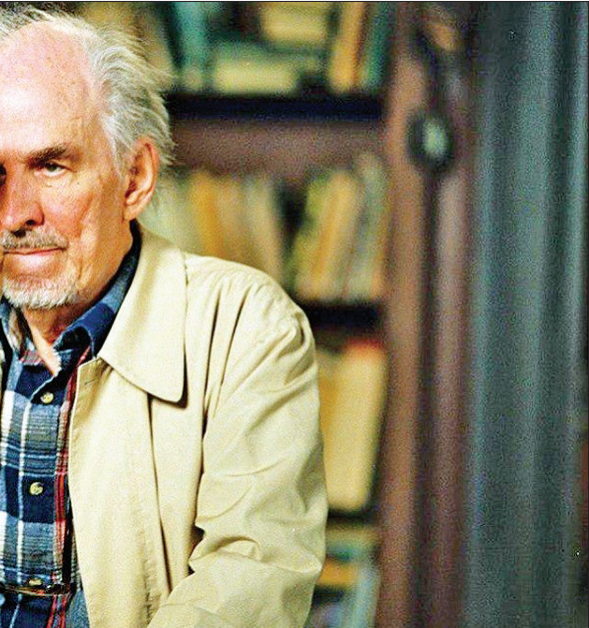
بازیگر سرشناس سوئدی ادعا کرده اینگمار برگمان نازی بود و وقتی هیتلر مرد، گریه کرد.

استلان اسکارسگورد، بازیگر سرشناس سوئدی در جشنواره فیلم کارلووی واری از تجربه تلخ همکاری با اینگمار برگمان پرده برداشت و او را شخصی نازی و فاقد همدلی انسانی توصیف کرد.

این بازیگر سرشناس سوئدی در جریان جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی واری در جمهوری چک درباره تجربه همکاری خود با اینگمار برگمان، کارگردان افسانه‌ای سینمای سوئد، صحبت کرد و نگاه شخصی‌اش را نسبت به گذشته نازی‌گرایانه او بیان کرد. اینگمار برگمان یک کارگردان فراموش نشدنی بود و فیلم‌هایی از خود به جای گذاشته که گویای همه‌چیز هستند: «پرسونا»، «فانی و الکساندر»، «فریادها و نجواها»، «توت‌فرنگی‌های وحشی»، «مهر هفتم»، «از میان آینه تا تاریکی».

اسکارشگورد که برای تبلیغ فیلم جدید «ارزش احساسی» ساخته یوآخیم تریه که الهام‌گرفته از اینگمار برگمان است و در کارلووی واری حضور یافته بود با لحنی صریح به گذشته تاریک این کارگردان پرداخت و گفت: «برگمان آدمی حيله‌گر بود. در دوران جنگ، نازی بود و تنها کسی است که می‌شناسم و برای مرگ هیتلر گریه کرد. ما همیشه توجیه‌اش می‌کردیم اما احساس می‌کرد نگاهش به آدم‌ها عجیب و ناخوشایند بود. فکر می‌کرد بعضی‌ها ارزشمند نیستند. این را وقتی دیگران را کنترل می‌کرد، احساس می‌کردی. آدم خوبی نبود».

برگمان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فیلمسازان تاریخ است و برای کاوش‌های عمیقش در مسائل انسانی و اخلاق مشهور است و شنیدن چنین اتهامی از کسی که از نزدیک بسا او کار کرده عمیقاً نگران‌کننده است. با توجه به جایگاه والای برگمان در هنر سینما این سخنان در جشنواره کارلووی واری طنین خاصی یافت و بسیاری را شگفت‌زده کرد. اسکارشگورد در توضیح بیشتر ادعای خود افزود: «ما مدام او را





تجهیز سینماها در شرایط جنگی

توسعه سالن‌های سینمایی در مهاباد، شهمیرزاد و کنگان

آذربایجان غربی بیش از ۳ میلیون نفر جمعیت دارد و وجود تنها ۱۱ سالن سینما نمی‌تواند مورد توجه مخاطبان باشد. به همین دلیل نیاز است تا با توجه به پراکندگی جمعیت در شهرستان‌های مختلف، مجموعه‌های تازه‌ای مورد بهره‌برداری قرار بگیرد که خوشبختانه با روی کار آمدن دولت چهاردهم این اتفاق سرعت بیشتری به خود گرفته است.

تجهیز سینما سیار به سینما ثابت

سینما خورشید در شهرستان شهمیرزاد استان سمنان که تا پیش از این به صورت سینما سیار در حال فعالیت بود با ارائه تجهیزات در حال تبدیل شدن به سینمای ثابت است.

عقبلی، مدیر این مجموعه سینمایی گفت: ما از سال ۱۳۹۷ پیگیر افتتاح سالن سینما در شهمیرزاد بودیم و آن زمان تجهیزات مربوط به سینما سیار را تحویل گرفتیم. همچنین با همکاری یک موسسه فرهنگی و هنری، سالی را برای استفاده تجهیز کردیم و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. او ادامه داد: در چهار سال اخیر پیگیر تبدیل سینما سیار این مجموعه به سینمای ثابت بودم چراکه در سینما سیار گاهی امر به روزرسانی فیلم‌ها دچار وقفه می‌شود و آثار با فاصله زمانی نسبت به سایر سینماها به نمایش درمی‌آیند. مردم شهمیرزاد بسیار اهل سینما هستند و وجود سینمای ثابت به دغدغه بخشی از سینمادوستان این شهرستان تبدیل شده بود.

عقبلی با بیان اینکه قراردادهای مربوط به دریافت تجهیزات به امضا رسیده است، افزود: قرار بر این است که در هفته آینده، تجهیزات مربوطه در سینما مستقر شوند و به زودی این سینما مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. او یادآور شد: شهرستان شهمیرزاد یک منطقه گردشگری است و به همین دلیل سینمای این شهر به طور حتم با استقبال مخاطبان پرتعدادی مواجه خواهد شد. در تلاش هستیم تا این سینما با حضور مسئولین کشوری در شهرورماه به صورت رسمی افتتاح شود.

افتتاح سالن سینما در کنگان استان بوشهر

استان بوشهر با یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر جمعیت و ۱۰ شهرستان، تنها دارای دو سالن سینماست از همین رو در چند هفته پیش رو قرار است در شهرستان کنگان سالن سینما جدید افتتاح شود.

نعمتی، مدیر این مجموعه سینمایی گفت: قراردادهای مربوط به دریافت تجهیزات این سینما به امضا رسیده و به زودی و در هفته آینده این تجهیزات را دریافت خواهیم کرد. قرار بر این بود که سینما کنگان در تاریخ ۵ مردادماه به صورت رسمی افتتاح شود اما نصب تجهیزات ممکن است این تاریخ را برای چند روز به تاخیر بیندازد. این سینما قرار است با همکاری اداره کل ارشاد اسلامی در استان بوشهر مورد بهره‌برداری قرار بگیرد و به طور حتم خبر خوبی برای مردم سینمادوست بوشهر خواهد بود.

نعمتی خاطر نشان کرد: این مجموعه در مجموع می‌تواند در هر سانس پذیرای ۳۰۰ مخاطب باشد. همچنین بنا به قابلیت‌های این سینما، طبقه دیگر این سالن نیز می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار بگیرد که در تلاش هستیم با فراهم کردن تجهیزات سرمایشی این اقدام را نیز انجام دهیم.

عدم تناسب میان وسعت و جمعیت کشور به نسبت سالن‌های سینما را باید یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در چند دهه اخیر در فضای هنری و فرهنگی کشور مطرح کرد. موضع و چالشی که در دولت گذشته به کرات از آن و برای رفع آن سخن به میان آمد اما در نهایت با بهره‌برداری از بیش از ۵۰۰ سالن دولت سیزدهم به کار خود پایان داد. اما ابتدای سال جاری بود که موسسه سینماشهر خبر از افتتاح حدود ۶۰ سالن سینما و اضافه شدن ۱۰ هزار صندلی به سینماهای کشور از ابتدای شهریورماه سال گذشته منتشر کرد، اقدامی که با توجه به زمان انتشار گزارش در مدت ۷ ماهه می‌توان آن را به‌مثابه مشتتی از خروارها دانست و امیدوار شد.

اما با نگاهی گذرا به وضعیت آماری تعداد سالن‌ها در استان‌ها و شهرستان‌های سراسر کشور به سادگی می‌توان دریافت که بهبود این وضعیت با وجود اهتمام ویژه سازمان سینمایی برای حل این موضوع باز هم بسیار سخت و دشوار است. به‌عنوان نمونه در استان آذربایجان غربی با توجه به جمعیت ۳ میلیون و پانصدهزارنفری، تنها ۱۱ سالن سینما وجود دارد که آنها نیز در ۴ شهرستان از ۱۹ شهرستان این استان پراکنده هستند و در این شرایط تنها ۸ سالن سینما در شهرستان ارومیه قرار دارد و سه سالن دیگر نیز در شهرستان‌های خوی، مهاباد و بوکان جانمایی شده است. به بیان دیگر، سایر شهرستان‌های این استان فاقد سینما هستند و اساساً مردم این شهرستان‌ها برای تماشای فیلم‌های روی پرده باید با صرف هزینه چند برابری به یکی از ۴ شهرستان دارای سینما مراجعه کنند که با توجه به پهناوری استان عملاً توجیه اقتصادی ندارد و به همین دلیل سال گذشته این استان تنها ۳۵۰ هزار بلیت با توجه به جمعیت ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفری خود فروخته است.

توسعه سینما وحدت مهاباد

سینما وحدت مهاباد با بهره‌گیری از ۹۶۹ صندلی یکی از سالن‌های بزرگ استان به شمار می‌رود و قرار است تا طی چند روز آینده، دو سالن جدید به این مجموعه اضافه شود.

دبیرزاده، مدیر این سینما با اشاره به تاخیر افتتاح سالن سینما به خاطر جنگ ۱۲ روزه بیان کرد: قرار بر این بود که سینما وحدت مهاباد اواخر خردادماه با حضور مسئولین مورد بهره‌برداری قرار بگیرد اما وقوع جنگ این موضوع را به تاخیر انداخت. در حال نامه‌نگاری برای فعال شدن سامانه سمفا هستیم تا در مرحله بعد و به زودی برنامه‌ای ویژه با حضور مسئولین جهت افتتاح این سینما تدارک ببینیم. او ادامه داد: سالن‌های تازه این مجموعه هر یک ظرفیتی بالغ بر ۶۲ و ۳۷ سالن را دارا هستند و قطعاً با فعال شدن آنها، استقبال مردم از فیلم‌های حاضر در سبید اکران رونق بیشتری خواهد گرفت. با توجه به تعدد فیلم‌های به نمایش درآمده در سینماهای سراسر کشور، دیگر وجود مجموعه‌هایی با یک سالن نمی‌تواند مورد اقبال مخاطبان قرار بگیرد. در نتیجه نیاز است تا در سراسر کشور توسعه پردیس‌های سینمایی چند سالنه در دستور کار قرار گرفته تا مخاطبان با سلیقه‌های متنوع در ساعات مختلف روز بتوانند به تماشای فیلم‌های مورد علاقه خود بنشینند و همه فیلم‌ها به صورت هم‌زمان در سراسر کشور به نمایش درآیند. دبیرزاده افزود: استان



اجرای نماز میت است تا مشاهیر درگذشته را به نظام وصل کند. حکومت جمهوری اسلامی به ازای هر میتی که دعائی بر او نماز بخواند، قبر مجانی می‌دهد و پول نماز میت هم از خانواده میت نمی‌گیرد.» [نقل شده از سایت رادیو زمانه] در هم و در همین حد از بلاغت برهنه! نماز بر مرحوم ادیب برومند، شخصیت علمی و فرهنگی و شاعر و رهبر جبهه ملی، پیامدهای ویژه‌ای داشت. «

شباهت دعائی و حاج آخوند

یکی دیگر از رفتارهای منحصر به‌فرد زندیاد دعائی، ادای احترام به بزرگان فرهنگ و دین با حرکت نامدین دست‌بوسی بود. مهاجرانی در این مورد و مواجهه‌اش با اولین نمونه از دست‌بوسی دعائی نوشته است: «اولین بار که دیدم دعائی خم شد و دست کسی را بوسید، دست پدرم بود. دعائی تازه نماینده شده بود. بعد از شهادت ۲۷ نفر از نمایندگان مجلس دوره اول، در فاجعه هفتم تیرماه ۱۳۶۰ برادر محسن هم تازه شهید شده بود. سیدمحمود دعائی در انتخابات میان‌دوره‌ای که در تابستان ۱۳۶۰ برگزار شد به مجلس راه یافته بود. از طریق سیدمحمد خاتمی با سیدمحمود دعائی آشنا شدم و به قول استاد اسلامی‌ندوشن، گلمان با هم گرفت! وقتی آقای دعائی با پدرم دست داد و دست پدرم را توی دست نگه داشت و گفت: «به به، چه دست‌های کارگری مردانه و محکمی!» دست‌های پدرم مثل پارآجر زیر و سخت بود؛ نشانی از یک عمر پیل زدن در زمین و کارگری و بنایی. پدرم لبخند زد، ناگاه دعائی خم شد و دست پدرم را بوسید. پدرم غافل گیر شده بود. دست و پایش را گم کرده بود بهت را در نگاهش دیدم، من شانه‌آقای دعائی را بوسیدم و سپاس شب در خانه‌مان که کنار مجلس بود، پدرم با تعجب گفت: من در عمرم فقط حاج آخوند را دیده بودم که دست دیگران را می‌بوسید، دست پیرمردان ده را می‌بوسید، دست کودکان را می‌بوسید. «

اگرچه کتاب «داستان انسان» از منطری شخصی تألیف شده اما رویکرد آن به گونه‌ای است که می‌توان آن را در درده آثار مستند تاریخی- اجتماعی نیز جای داد. مهاجرانی در خلال روایت زندگی دعائی، تلاش کرده ابعاد کمتر شناخته‌شده‌ای از شیوه مدیریت، زیست معنوی و کش‌گری‌های روزمره او را ثبت کند.

و تنها زمانی تغییر عقیده داد که فجایع اردوگاه‌های مرگ فاش شد.

پس از آن بود که برگمان به اضطراب و پریشانی حاصل از فجایع جنگ در فیلم‌هایی چون «نور زمستانی» و «سکوت» و «شرم» پرداخت. انتقادات اسکار شگورد از برگمان چیز تازه‌ای نیست. او پیش‌تر نیز در گفت‌وگویی در سال ۲۰۱۲ با نشریه گاردین گفته بود: «نمی‌خواستم برگمان به زندگی‌ام نزدیک شود.» اسکار شگورد همچنین گفت: «من این حرفه را می‌شناسم؛ می‌دانم که این شهرت لعنتی چقدر کوتاه‌مدت است. اما شگفت‌زده شدن از خودت سرگرم‌کننده است. من از خودم شگفت‌زده می‌شوم و این سرگرم‌کننده است. من به زودی خواهم مرد بنابراین باید حواسم به لحظات باقی‌مانده باشم.» این بازیگر که در یک مسترکلاس شرکت کرده بود، برخی از بزرگ‌ترین فیلم‌های دوران حرفه‌ای خود را مرور کرد و از شخصیت ژولیت بینوش در فیلم «سبکی تحمل‌ناپذیر هستی» یاد کرد.

وی همچنین درباره «شکستن امواج» لارس فون تریه گفت: «من فیلم‌های اول لارس را دیده بودم آنها بسیار سرد بودند و تأثیری بر من نگذاشتند. خودش متوجه این موضوع شد و وقتی من فیلمنامه این فیلم را خواندم، گفتم؛ لعنتی بالاخره یک داستان عاشقانه که می‌توانم با آن ارتباط برقرار کنم. این فیلم درباره جوهره عشق است. خلوص عشق.»

بعدها او دوباره با تریه در فیلم «رقصنده در تاریکی» همکاری کرد که بیورک در آن نقش یک کارگر کارخانه را بازی می‌کرد که از بیماری دژنراتیو چشم رنج می‌برد. وی همچنین از فیلم «مالیخولیا» تریه یاد کرد که تحت تأثیر کنفرانس مطبوعاتی کن قرار گرفت و موجب شد همه از سخنان فون تریه برداشت نادرستی کردند. این بازیگر توضیح داد: «همه در آن اتاق می‌دانستند که او نازی نیست بلکه برعکس است اما همه از آن به عنوان تیترا استفاده کردند و بعدش آنهاهی که فقط تیترا را می‌خوانند، فکر کردند او نازی است». اینگمار برگمن از چهره‌های برجسته تاریخ سینمای جهان بود که در طول ۶ دهه فعالیت هنری ۹ بار نامزد جایزه اسکار شده بود و در توصیف شرایط زندگی انسانی از مایه‌های کم‌دی، امید، یأس و ناامیدی بهره می‌گرفت. وی در طول سال‌ها فعالیت سینمایی در مجموع ۶۲ فیلم ساخت که فیلم‌نامه بسیاری از آنان را نیز خودش نوشته بود و علاوه بر آن، کارگردانی ۱۷۰ نمایش تئاتر از او یک چهره درخشان در عرصه این هنر نمایشی ساخته بود. کارگردانان بسیاری آثار برگمن را الهام‌بخش حیات سینمایی خود دانسته‌اند که از آن جمله می‌توان به روبرت آلمن، وودی آلن، آتوم آگویان، استنلی کوبریک، دیوید لینچ، پل شریدر، آندری تارکوفسکی و فرانسوا اوزون اشاره کرد.

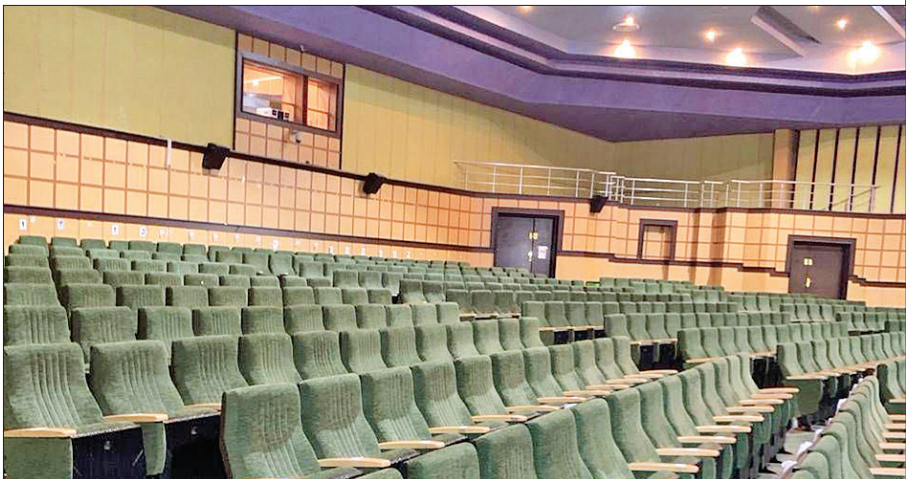


حجتی کرمانی در سخنرانی تالار وحدت، در بزرگداشت نام و یاد سیدمحمود دعائی، از مادر سیدمحمود به عنوان شکل‌دهنده شاکله شخصیت او یاد کرده است. «مادر مادر مادر!» شاید این تکرار سه بار نام مادر، اقتباس از حدیث نبوی باشد. البته حجتی کرمانی با بلاغتی که در سخن دارد، با یاد مرحوم آسیدمحمد دعائی زارچی پدر سیدمحمود دعائی، سه بار می‌گوید عفا الله عنه! همه ما شاهد بودیم که سیدمحمود دعائی همیشه با احترام از پدرش یاد می‌کرد. حتی وقتی فهمیده بود، پدرش با طلبگی او موافق نیست چند سالی در بازار کرمان و کارخانه برق به حسابداری و دفترنویسی پرداخته بود؛ تا سرانجام وقتی پدرش تشنگی و شدیدی و شوق فراوان او را برای تحصیل طلبگی می‌بیند، رضایت می‌دهد. بعدها سیدمحمود دعائی که در کودکی و نوجوانی و جوانی تا ۲۲ سالگی تصوری از پدر نداشت و مفهوم پدر برایش مفهومی انتزاعی شده و در دوردست قرار داشت، با آشنایی با امام خمینی، پدر آرمانی خود را می‌یابد؛ پدری که محبوب و به مثابه مادر بود و شخصیت سیدمحمود دعائی در حلقه حضور و تربیت او بالید و برکشید و با انقلاب تبدیل به چهره‌ای انقلابی و ملی شد. اما مادر در زندگی سیدمحمود دعائی در دوران شکل‌گیری و قوام شخصیت او، نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز داشت. «

وزیر نماز میت

هم چنین در بخش‌هایی از کتاب به عملکرد او در موقعیت‌های خاص اجتماعی و سیاسی پرداخته شده؛ از جمله اقامه نماز میت برای برخی افراد که واکنش‌های متنوعی از سوی جامعه و نهادهای مختلف در پی داشته است. مهاجرانی در بخش «نمازت کی شود هرگز نمازی!» با اشاره به این که دعائی به طنز می‌گفته: «من می‌بایست وزیر نماز میت می‌شدم» درباره یکی از بحث‌برانگیزترین نماز میت‌های او می‌نویسد: «برخی از این نمازها تبدیل به ماجرا شد. مثل نمازش بر مرحوم عبدالعلی ادیب برومند که در ۹۲ سالگی درگذشت و وصیت کرده بود، سیدمحمود دعائی بر او نماز بخواند. نماز دعائی دو تفسیر از سوی دو طیف کاملاً متقابل و بلکه متضاد پیدا کرده بود. انقلابیون درون کشور و نظام می‌گفتند چرا ایشان بر دشمنان نظام و امام نماز می‌خواند؟ و براندازان خارجی که می‌گفتند: «او از طرف حکومت مأمور به

هنرمندان آدم‌های پیچیده‌ای هستند، افزود: «شما می‌توانید یک هنرمند بزرگ باشید و در عین حال یک احمق هم باشید. اما این بدان معنا نیست که نمی‌توانید، کارهای عالی خلق کنید». برگمان که سال ۲۰۰۷ در سن ۸۹ سالگی درگذشت، پیش‌تر نیز به شکل علنی از همدلی خود با نازی‌ها در دوران جوانی سخن گفته بود. در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۹۹ با ماریا-پیا بوتیتوس، نویسنده کتابی درباره برپای طرفی سوئد در دوران جنگ جهانی دوم، برگمان اعتراف کرد که در ۱۶ سالگی و پس از شرکت در تجمعی نازی در آلمان در سال ۱۹۳۴ تحت تأثیر کاریزمای هیتلر قرار گرفته بود. او همچنین عنوان کرده بود که خانواده‌اش پس از بازگشت از آلمان، عکس هیتلر را کنار تخت خوابش قرار داده بودند. برگمان در خودزندگی‌نامه‌اش در سال ۱۹۸۷ با عنوان «فانوس جادویی» نیز از گرایش‌های نازی‌گرایانه خود سخن گفته و نوشته بود: «برای سال‌ها، طرفدار هیتلر بودم؛ از موفقیت‌هایش شاد و از شکست‌هایش ناراحت می‌شدم. اما وقتی درهای اردوگاه‌های کار اجباری باز شد، ناگهان معصومیت از من گرفته شد». او در مصاحبه با ماریا-پیا بوتیتوس همچنین گفته بود تا پایان جنگ جهانی دوم به نازی‌ها باور داشت



دیدگاه: یادداشت روز

عقب‌گرد ساختاری

بازگشت به اقتصاد کوپنی چه عواقبی دارد؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

به همین سادگی ممکن است به دهه ۶۰ و عصر کوپن برگردیم. مسأله پیچیده نیست؛ دولت می‌خواهد به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که در تنگنای پیش رو، کشور دچار کمبود منابع مورد نیاز و اِزاق عمومی نشود؛ به همین دلیل تفکر سیاستمداران این است که کوپنی کردن کالاها، چاره کار است. در سال‌های گذشته هر اتفاقی در کشور رخ داده، سیاستمداران یاد دهه ۱۳۶۰ افتاده و دوباره دربارۀ احیای سیاست کوپن سخن گفته‌اند.

اخیرا سخنگوی دولت گفته: «دولت در تلاش است و برنامه جدی دارد تا بیشترین حمایت معیشتی خود را از مردم انجام دهد و سعی دارد و امیدوار است که بتواند منابع مراحل بعدی کالا برگ را در ماه‌های آتی برای مردم تامین کند تا مردم برای تهیه کالا‌های اساسی مشکلی نداشته باشند.»

اظهارات سخنگوی دولت نشان‌دهندۀ تداوم رویکردهای اقتضایی است که به جای حل ریشه‌ای مشکلات به مدیریت موقت بحران‌ها اتکفا می‌کند. تجربه دهه ۶۰ نشان داد که اقتصاد کوپنی نه‌تنها مشکلات را حل نکرد بلکه پیامدهای منفی بلندمدتی مانند تورم مزمن، کاهش تولید و وابستگی به یارانه‌ها را به همراه داشت. به جای بازگشت به این سیستم، نیاز است که سیاست‌های اقتصادی بر اساس اصلاحات ساختاری، تقویت تولید داخلی و بهبود زیرساخت‌های بازار آزاد طراحی شوند تا از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری شود.

یکی از مهم‌ترین عواقب بازگشت به اقتصاد کوپنی، کاهش کارایی اقتصادی است. سیستم کوپنی با ایجاد محدودیت در بازار آزاد، رقابت را کاهش می‌دهد و انگیزه تولیدکنندگان برای بهبود کیفیت و افزایش تولید را از بین می‌برد. در دهه ۶۰ این سیستم منجر به تشکیل بازارهای سیاه شد که کالاها با قیمت‌های بسیار بالاتر از نرخ رسمی به فروش می‌رسیدند. این موضوع نه‌تنها به نابرابری اقتصادی دامن زد بلکه فساد و رانت‌خواری را نیز گسترش داد. در شرایط کنونی که اقتصاد ایران با تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی و تحریم‌های گسترده مواجه است، بازگشت به کوپن می‌تواند این مشکلات را تشدید کند. توزیع ناکارآمد منابع، صف‌های طولانی و نارضایتی عمومی از دسترسی نابرابر به کالاها از دیگر تبعات محتمل است.

علاوه بر این، اقتصاد کوپنی به دولت‌محوری بیش از حد منجر می‌شود. این سیستم نیازمند زیرساخت‌های عظیم توزیع، نظارت و کنترل است که هزینه‌های سنگینی به بودجه دولت تحمیل می‌کند. در دهه ۶۰ دولت به دلیل درآمدهای نفتی و شرایط جنگی توانست این سیستم را تا حدی مدیریت کند اما در شرایط کنونی که کسری بودجه دولت بالاست، اجرای چنین سیستمی می‌تواند فشار مالی بیشتری ایجاد کند. همچنین این روش با کاهش نقش بازار، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را تضعیف می‌کند و اقتصاد را به سمت رکود سوق می‌دهد.

از منظر اجتماعی، بازگشت به کوپن می‌تواند، حس ناامیدی و عقب‌گرد را در جامعه تقویت کند. تجربه دهه ۶۰ برای بسیاری از ایرانیان با خاطرات صف‌های طولانی، کمبود کالاها و محدودیت‌های معیشتی همراه است. این موضوع می‌تواند، اعتماد عمومی به سیاست‌های دولت را کاهش دهد و نارضایتی اجتماعی را افزایش دهد. به‌ویژه در شرایطی که نسل جدید با فناوری و اقتصاد جهانی شده آشناست، بازگشت به سیستمی منسوخ شده می‌تواند شکاف بین مردم و سیاستمداران را عمیق‌تر کند. این گرایش را می‌توان به چند عامل نسبت داد. نخست ذهنیت نوستالژیک برخی سیاستمداران است که دهه ۶۰ را به دلیل همبستگی اجتماعی در زمان جنگ، دورانی موفق می‌دانند. آنها معتقدند که سیستم کوپنی در آن زمان توانست، نیازهای اولیه مردم را تأمین کند و از بحران‌های بزرگ جلوگیری کرد. دوم اقتصاد کوپنی به دولت امکان کنترل بیشتر بر منابع و توزیع را می‌دهد که برای سیاستمدارانی که به دنبال حفظ قدرت و مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت هستند، جذاب است. سوم فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و ناتوانی در ارائه راه‌حل‌های مدرن برای مشکلات اقتصادی، سیاستمداران را به سمت راه‌حل‌های قدیمی و آزمایش شده، سوق می‌دهد. این در حالی است که شرایط اقتصادی و اجتماعی امروز با دهه ۶۰ تفاوت‌های اساسی دارد و استفاده از همان سیاست‌ها نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای کنونی باشد.

توسعه

مسیر سبز

آیا شرایط بازار سهام بهبود پیدا کرده است؟

نسرين خدادادی

گروه اقتصاد

در این روزهای سرشار از نااطمینانی، بورس تهران پس از روزهایی پرتلاطم و تحت تأثیر تنش‌های منطقه‌ای، سرانجام در معاملات دیروز رنگ سبز را به خود دید. بازار سهام سرانجام با رشد هر سه نمایر بازار سهام در مقیاس روزانه همراه شد. بورس تهران که پس از جنگ، وضعیت نامناسبی را تجربه کرد؛ در جریان معاملات دیروز به مسیر صعودی بازگشت و سهامداران را تا حدودی به روزهای آینده تالار شیشه‌ای امیدوار کرد.

شاخص کل بورس با رشدی ۱/۵۲ درصدی، بارقه‌های امید را در دل سهامداران روشن کرد و شاخص هموزن نیز پس از ۱۴ روز افت بی‌سابقه، سرانجام به مسیر صعودی بازگشت. در این میان، صندوق‌های اهرمی با استقبال سرمایه‌گذاران روبه‌رو شدند اما خروج ۲۰۱ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار همچنان سایه‌ای از احتیاط را بر معاملات گستراند.

بازگشت بورس تهران به مسیر صعودی پس از دوره‌ای طولانی از افت، نشانه‌ای از بهبود نسبی اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سهام است. رشد ۱/۵۲ درصدی شاخص کل و صعود شاخص هموزن پس از ۱۴ روز افت متوالی، می‌تواند به‌عنوان نقطه عطفی در عملکرد بازار تلقی شود. با این حال شاخص کل همچنان پایین‌تر از سطح پایان سال گذشته (۲/۷۸ میلیون واحد) قرار دارد و بازدهی منفی سالانه، نشان‌دهندۀ چالش‌های ساختاری و تأثیر عوامل کلان اقتصادی بر بازار است. خروج ۲۰۱ میلیارد تومان پول حقیقی در معاملات دیروز و مجموع ۳۸ هزار میلیارد تومان در ۱۵ روز اخیر بیانگر احتیاط معامله‌گران و ترجیح نقدشوندگی در شرایط عدم اطمینان است. این روند می‌تواند نتیجه نگرانی‌ها از ریسک‌های ژئوپلیتیکی، نوسانات ارزی و تورم بالا باشد. با این حال، استقبال از صندوق‌های اهرمی با دامنه نوسان جدید ۴ درصدی، نشان‌دهندۀ تمایل برخی سرمایه‌گذاران به ابزارهای پریسک‌تر با پتانسیل بازدهی بالاتر است. این موضوع می‌تواند، نشانه‌ای از خوش‌بینی محتاطانه به بهبود شرایط بازار در آینده نزدیک باشد. در بازار ارز و طلا، افت قیمت‌ها در پی ثبات نسبی دلار در کانال ۸۷ هزار تومان، نشان‌دهندۀ تأثیر مستقیم نرخ ارز بر بازارهای موازی است.

به عقیده ناظران، بازگشت بورس به مدار صعودی، نویدبخش تغییر روند در کوتاه‌مدت است اما تداوم این مسیر به عوامل متعددی از جمله ثبات ارزی، کاهش تنش‌های منطقه‌ای و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی بستگی دارد.

تحلیل اقتصادی

زیر خط گردن

تداوم موفقیت‌های بیت‌کوین بسته به چیست؟

مهتا معرفت

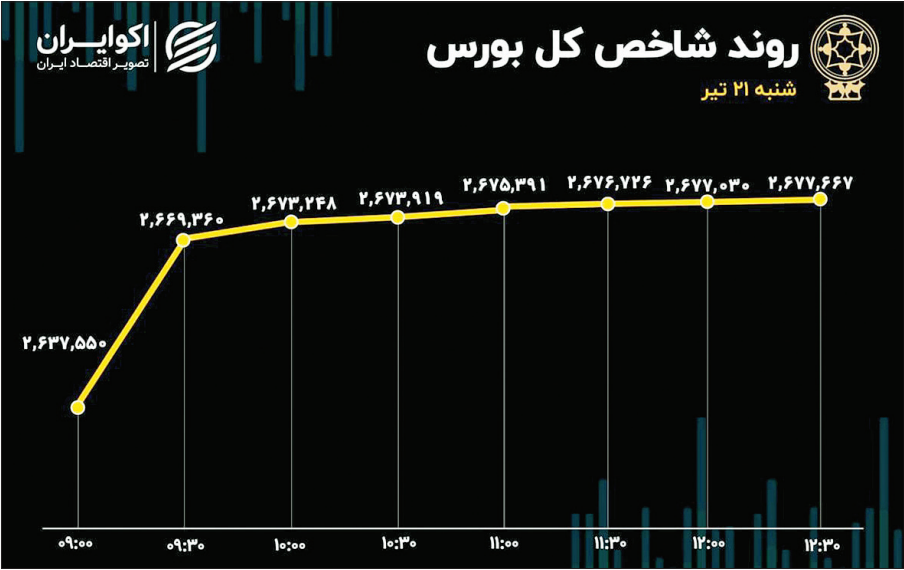
گروه اقتصاد

موفقیت‌های بیت‌کوین ادامه‌دار است و بزرگ‌ترین ارز دیجیتال در روز جمعه (۲۰ تیر) به بیش از ۱۱۸ هزار و ۸۰۰ دلار افزایش یافت؛ موضوعی که منعکس‌کنندۀ خرید پایدار از سوی مدافعان افزایش قیمت است و نشان می‌دهد، مدافعان کاهش قیمت که پیش‌بینی کاهش قیمت را دارند، در حال بستن پوزیشن‌های خود برای کاهش زیان‌ها هستند. قیمت بیت‌کوین دیروز به بیش از ۱۱۸,۸۰۰ دلار رسید به دلیل ترکیبی از عوامل: ورود بی‌سابقه سرمایه به ETF‌های بیت‌کوین به‌ویژه از سوی نهادهایی مثل بلک‌راک که بیش از ۷۰۰,۰۰۰ بیت‌کوین در اختیار دارد، تقاضای نهادی را افزایش داده است. حمایت‌های سیاسی مانند فرمان اجرایی ترامپ برای ایجاد «ذخیره راهبردی بیت‌کوین» و اظهارات مثبت ایلان ماسک، اعتماد سرمایه‌گذاران را تقویت کرده است. کاهش عرضه پس از هاوینگ آوریل ۲۰۲۴ (پاداش استخراج به ۳,۱۲۵

بررسی تحولات اقتصادی

روند شاخص کل بورس

شنبه ۲۱ تیر



۴۷۹ نماد سبزپوش ماندند و ۳۶۴ نماد دیگر منفی بودند. در پایان معاملات بازار امروز پول حقیقی از تالار شیشه‌ای خارج شد و به سمت صندوق‌های با درآمد ثابت و کالایی کوچ کرد. در معاملات دیروز ۷ صندوق اهرمی با رشد قیمت پایانی همراه شدند و یک صندوق نیز با افت قیمتی همراه شد. همچنین یک صندوق هم در محدوده صفر تابلوی معاملات جای گرفت. ورود پول به این صندوق‌ها به رغم خروج پول از بازار سهام، نشانگر این مساله است که معامله‌گران در جریان داد و ستدهای دیروز با امیدواری بیشتری نسبت به معاملات روزهای آتی بورس تهران نگاه می‌کنند.

جدیدترین گزارش فدراسیون جهانی بورس‌ها نشان می‌دهد، بورس تهران در ماه آوریل ۲۰۲۵ رتبه دوم بازدهی در میان ۷۵ بورس مهم دنیا را به خود اختصاص داده است. آمار فدراسیون جهانی بورس‌ها نشان می‌دهد که بورس تهران با رشد ۱۲.۹ درصدی شاخص در چهارمین ماه ۲۰۲۵ در رتبه دوم بازدهی در میان ۷۵ بورس مهم دنیا قرار گرفته است.

شاخص قیمت بورس تهران در آوریل ۲۰۲۵ با رشد ۱۲/۹ درصدی نسبت به ماه قبل از آن به ۶۰۰ هزار و ۵۰۰ واحد رسیده است. همچنین دلار آزاد در معاملات دیروز در کانال ۸۷ هزار تومان بازگشایی شد. این موضوع موجب افت قیمت‌ها در بازار فیزیکی طلا و سکه شد و قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار مجدداً کانال ۷ میلیون تومان را از دست داد. سکه امامی نیز وارد کانال ۷۷ میلیون تومان شد.

خروج پول حقیقی همچنان زنگ خطری برای بازار است و سیاست‌گذاران باید با ابزارهایی نظیر تقویت نقدشوندگی و حمایت از صندوق‌های سرمایه‌گذاری، اعتماد را به بازار بازگردانند. در شرایط کنونی، معامله‌گران باید با رصد دقیق تحولات کلان و مدیریت ریسک، استراتژی‌های خود را تنظیم کنند. در معاملات دیروز بورس تهران، شاخص کل با رشد ۱/۵۲ درصدی به سطح ۲ میلیون و ۶۷۷ هزار واحدی رسید. رقم پایانی سال گذشته شاخص کل، محدوده ۲ میلیون و ۷۱۰ هزار واحد است و شاخص کل همچنان با بازدهی منفی از ابتدای سال همراه است.

شاخص هموزن نیز در معاملات دیروز پس از ۱۴ روز معاملاتی متوالی در معاملات دیروز به مسیر صعودی بازگشت. ۱۴ روز سرخ‌پوشی متوالی شاخص هموزن در تاریخ محاسبه این شاخص موضوع بی‌سابقه‌ای بوده است. در فرابورس نیز شاخص کل این بازار، رشد ۰/۳۸ درصدی را تجربه کرد. ارزش معاملات خرد بازار نیز به رقم ۶ هزار و ۵۲۴ میلیارد تومان رسید و ۲۰۱ میلیارد تومان پول حقیقی نیز از بازار خارج شد. در ۱۵ روز معاملاتی اخیر بیش از ۳۸ هزار میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شده است. صندوق‌های اهرمی که هفته گذشته با افزایش یک درصدی دامنه نوسان همراه شدند و اکنون با دامنه نوسان مثبت و منفی ۴ درصد معامله می‌شوند؛ در معاملات دیروز به ریل صعودی بازگشتند. در این بین ۵۷ درصد نمادهای بورسی مثبت معامله شدند و ۴۳ درصد دیگر قرمزپوش بودند؛ به عبارتی

بیت‌کوین) و استخراج ۹۳ درصد از عرضه ۲۱ میلیونی همراه با تقاضای شرکت‌هایی مثل گیم استنپ نگرانی از «شوک عرضه» را شدت بخشیده است. ضعف ۱۱ درصدی دلار آمریکا و بی‌ثباتی اقتصادی، بیت‌کوین را به‌عنوان دارایی امن جذاب کرده و کاهش ورودی به صرافی‌ها و فعالیت نهنگ‌ها، نشان‌دهندۀ نگهداری بلندمدت است. انتظارات از کاهش نرخ بهره فدرال رزرو، اصلاحات مالیاتی ژاپن، قانونی‌سازی ETF در کره جنوبی و «هفته رمزارزها» در واشنگتن، خوش‌بینی بازار را تقویت کرده است. تحلیل تکنیکال نیز قدرت خریداران و حمایت میانگین متحرک ۵۰ روزه را نشان می‌دهد، هرچند شاخص «طمع شدید» ممکن است به اصلاح کوتاه‌مدت منجر شود. به نوشته کوین تلگراف، یک نشانه مثبت دیگر این است که صندوق‌های قابل معامله در بورس بیت‌کوین آمریکا شاهد دومین ورود بزرگ جریان روزانه به ارزش ۱/۱۷ میلیارد دلار روز پنج‌شنبه بودند. این اتفاق حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران نهادی، انتظار ادامه مسیر صعودی قدیمی‌ترین ارز دیجیتال جهان را دارند. داده‌ها نشان می‌دهد که بیت‌کوین توانسته، الگوی موسوم به «سر و شانه معکوس»



را تکمیل کند. معمولاً پس از آنکه یک الگوی قیمتی شکسته شد، قیمت این دارایی دیجیتال کاهش می‌یابد و سطحی که از آن عبور کرده بود را مورد آزمایش قرار می‌دهد. اگر قیمت بیت‌کوین از خط گردن فراتر رود، نشان می‌دهد که گاوها این سطح را به حمایت تبدیل کرده‌اند. این موضوع احتمال ادامه روند صعودی به‌سوی هدف قیمتی ۱۵۰ هزار دلار را افزایش می‌دهد. یک نشانه از تضعیف، بسته شدن زیر خط گردن است که سیگنال کسب سود در سطوح بالاتر به حساب می‌آید. خرس‌ها مجبور خواهند بود برای به دست آوردن دست بالاتر، قیمت را به زیر میانگین متحرک ساده ۵۰ روزه (۱۰۶ هزار و ۹۸۱ دلار) بیاورند.

فرار از اوین

سخت‌گویی قوه قضاییه می‌گوید

پس از حمله اسرائیل به زندان اوین چند نفر فرار کردند

گروه اجتماعی: در پی جنگ ۱۲ روزه اخیر و حوادث مرتبط با حمله به

زندان اوین، اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه در نشست خبری روز سه‌شنبه ضمن ارائه آخرین آمارها و مواضع قوه قضاییه به سؤالات خبرنگاران در خصوص مسائل امنیتی، پرونده‌های جاسوسی، فضای مجازی و سایر تحولات قضایی پاسخ داد. سخنگوی قوه قضاییه با تسلیت ایام محرم، اعلام کرد که در جنگ ۱۲ روزه اخیر ۹۴۳ نفر به شهادت رسیدند و ۸ نفر همچنان مفقود هستند. به گفته وی از میان شهدا پنج نفر از زندانیان زندان اوین بودند که به دلیل جرایم مالی در حبس بودند. وی از مردم برای حضور پرشور در مراسم عزاداری عاشورا و تاسوعا و نیز مشارکت در صحنه‌های دفاع ملی قدردانی کرد. جهانگیر حمله رژیم صهیونیستی به زندان اوین را اقدامی «تروریستی» و «تقص آشکار حقوق بین‌الملل» توصیف و تأکید کرد که این حمله نه تنها زندانیان بلکه کارکنان و ساکنین اطراف زندان را نیز قربانی کرد. وی گفت: «رژیم صهیونیستی نشان داد برای قوانین بین‌المللی ارزشی قائل نیست». وی همچنین اعلام کرد که برخلاف برخی شایعات، تمامی زندانیان امکان تماس با خانواده‌هایشان را پس از حمله داشته‌اند و هیچ‌گونه اختلال سازمان‌یافته در این زمینه رخ نداده است. در عین حال تأیید کرد که تعداد اندکی از زندانیان موفق به فرار شده‌اند اما افراد شاخصی در میان آن‌ها نیستند و بازداشت و بازگشت آن‌ها در دستور کار قرار دارد.

ادامه تیتیر یک

چالش پشت جبهه

نارسایی در ارتباطات شخصی و تجهیزات

عدم نظارت مؤثر بر ابزارهای ارتباطی شخصی فرماندهان نیز مشکل‌ساز شد. احمد معتمدی، وزیر پیشین ارتباطات، تصریح کرد پدافند غیرعامل تنها شامل هک نیست؛ حتی «استفاده از تلفن همراه» نیز در حوزه آن قرار دارد و در این جنگ بسیاری از فرماندهان به کمک تلفن همراه، هدف ترور قرار گرفتند. او با اشاره به توصیه‌های پیشین به دور نگه داشتن گوشی از فرماندهان گفت: «دشمن می‌تواند هر کاری با تلفن همراه انجام دهد». این سخنان در کنار گزارش‌ها از خنثی‌سازی نشدن حملات هکری سایبری به سامانه‌های پدافندی، ضعف دانش تخصصی و تجهیزات مدرن در حوزه امنیت اطلاعاتی را نشان داد. به گفته معتمدی «پدافند غیرعامل ضعیف‌ترین بخش بود و اصلاً نمره قبولی نمی‌گیرد».

غیبت مدیران و نبود شفافیت

انتقاد قابل توجهی به شکل پاسخگویی مسئولان پدافند غیرعامل وارد شد. محمد مهاجری، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت، با کنایه گفت که در «روزهای سخت جنگ نه از خودتان خبری بود و نه از سازمان‌تان» و سپس نوبت به توصیه به مردم افتاده است. سردار غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل نیز پس از ۱۰ روز سکوت جنگ در مصاحبه‌ای کلیشه‌ای بر نکات ایمنی تلفن‌ها تأکید کرد و هیچ توضیح فنی معتبری از عملکرد پدافندی ارائه نداد. یک مجری تلویزیون از «غیبت» ایشان در آن ایام انتقاد کرد و گفت: «خبری از ایشان نبود... حالا که آمده‌اید، همه هزرتان خلاصه شده در فحش دادن به واتس‌آپ». منتقدان ضمن اشاره به سابقه ۱۸ ساله ریاست جلالی بر پدافند غیرعامل، خواستار ارزیابی شفاف و پاسخگویی بی‌واسطه به افکار عمومی شده‌اند. بسیاری خواهان اصلاح ساختاری و جابه‌جایی مدیران یا بازتعریف مأموریت سازمان هستند تا «نقاط ضعف شناسایی شده ... برطرف شوند». این تجربه و گزارش‌های دیگر نشان می‌دهد، رویکرد کنونی نهاد پدافند غیرعامل، متأسفانه، وجوه تکرارشونده‌ای دارد؛ تمرکز بر شعار و عقب‌نشینی عملی در بحران. بررسی این پیشینه گواه می‌دهد که اصلاحات اساسی در روش مدیریتی و پاسخگویی وی لازم است.

نفوذ و تهدیدات اطلاعاتی

حضور گسترده «ریزپنده‌ها» (پهادهای کوچک) و گزارش دستگیری دهها نفوذی در داخل کشور، ضعف مراقبت مرزی و سیستم‌های هشدار را نشان داد. رسانه‌ها از کشف «۱۰ هزار ریزپرنده تنها در پایتخت» و دستگیری بیش از ۷۰۰ نفر متهم به همکاری با دشمن خبر دادند. این آمار عمق فعالیت‌های خرابکارانه و خلأ در پوشش هوایی را عیان کرد. هم‌زمان اعلام شد، نیروهای پایش حین مقابله با آشوب داخلی بیش از ۱۵۰ شهید داده‌اند که تحلیل‌گران آن را نشانه «تقش‌های عمیق برای ایجاد آشوب داخلی» دانستند. در نبرد اطلاعاتی نیز ضعف تحلیل اطلاعات شنود شده به چشم آمد؛ به عنوان مثال کارشناسان هشدار دادند، شبکه‌های استارلینک می‌تواند به نفوذ دشمن کمک کند و حاکمیت بر منابع اینترنتی خارجی را به چالشی جدید تبدیل کند.

پرونده‌های جاسوسی و فعالیت شبکه‌های دشمن

سخنگوی قوه قضاییه بخش مهمی از نشست خبری را به مسائل امنیتی و رسیدگی به پرونده‌های جاسوسی اختصاص داد. او اعلام کرد که تعدادی از افراد به اتهام جاسوسی برای رژیم صهیونیستی بازداشت شده‌اند و روند تحقیقات ادامه دارد. جهانگیر تصریح کرد: «تا پیش از صدور حکم قطعی دادگاه، نمی‌توان هیچ فردی را جاسوس نامید». وی با استناد به مواد ۵۰۱ و ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی، توضیح داد که هرگونه همکاری آگاهانه با دولت‌های متخاصم، حتی در سطح غیرنظامی، می‌تواند مصداق جرم امنیتی باشد. او همچنین تأکید کرد که برخی از متهمان اطلاعات مهمی در اختیار دارند که می‌تواند به شناسایی شبکه‌های دشمن در داخل کشور کمک کند بنابراین دقت در فرایند بازجویی و تفکیک میان عناصر آگاه و ناآگاه ضروری است.

برخورد با همکاری رسانه‌ای با دشمن

جهانگیر گفت: «در جریان جنگ اخیر، دشمن تلاش کرد با عملیات روانی و شایعه‌پراکنی، امنیت روانی جامعه را برهم بزند اما همکاری مردم و رصد دقیق دستگاه‌های اطلاعاتی موجب شناسایی عوامل داخلی این شبکه‌ها شد». وی از تشکیل

کمبود پناهگاه و زیرساخت‌های پایدار

مشکل مهم دیگر، فقدان زیرساخت‌های اساسی برای حفاظت غیرمسکونی است. مسئولان شهری تأکید کردند در پایتخت و شهرهای بزرگ «پناهگاه کامل» وجود نداشته و متروها نیز مناسب پناهگاه نبوده‌اند. این در حالی است که شهرهایی مانند تل‌آویو با حضور پناهگاه‌های استاندارد، تعداد تلفات را به حداقل رساندند؛ آمار ۶۱۰ شهید جنگ ۱۲ روزه- که عمدتاً در ساختمان‌های مسکونی و نقاط شهری حادث شد- نمونه‌ای از هزینه سنگین این کاستی بود. کارشناسان بازتعریف پدافند غیرعامل در شرایط نبرد ترکیبی، تقویت پایداری زیرساخت‌های حیاتی و اختصاص بودجه به امنیت اطلاعات و سلامت روان اجتماعی را ضروری دانسته‌اند. از طرف دیگر، مدیران بحران اذعان کرده‌اند، مراکز مدیریت بحران موجود (پایگاه‌های امداد و اورژانس) هیچ‌گاه کارکرد اسکان اضطراری نداشته‌اند. این کاستی‌ها در کنار مشکلات دیگر زیرساختی- مانند ضعف سامانه‌های هشدار زودهنگام و پراکندگی نامناسب مراکز حیاتی- نشان می‌دهد، پایداری زیرساخت‌ها در مواجهه با حملات غافلگیرانه نیازمند اصلاح اساسی است. در مجموع، عملکرد پدافند غیرعامل در این بحران با کاستی‌های متعددی همراه بود؛ دانش ناکافی مسئولان تجهیزات مدرن و سامانه‌های یکپارچه هشدار، کم‌توجهی به هشدارهای پیشین و سرور ضعف ساختاری در مدیریت بحران. با این وجود، مسئولان به سذرت در این نواقص اشاره کرده‌اند. اکنون بخش‌هایی از جامعه و کارشناسان بر لزوم ارزیابی فراگیر عملکرد سازمان و تغییرات جدی ساختاری تأکید دارند تا «نقاط ضعف شناسایی شده... برطرف شوند». در گزارش‌های رسمی نیز راهبردهای جدیدی مانند «مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها و توسعه پناهگاه‌های استاندارد» مطرح شده است. اما در نهایت بدون اصلاحات بنیادی و تقویت ظرفیت‌های پدافندی- به ویژه در حوزه‌های سایبری و اطلاعاتی- همین ضعف‌ها در نبردهای آینده با عواقب حتی سنگین‌تر تکرار خواهند شد.

هیچ!

فرزانه ترکان، عضو شورای مرکزی حزب کاگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با «سازندگی» معتقد است که مسئولان ما در مواجهه با بحران‌های ملی، هیچ‌جانی رفتار می‌کنند. او اضافه می‌کند: هشدارها داده می‌شود، انتقادها مطرح می‌شود اما همه چیز خیلی زود به فراموشی سپرده می‌شود. مثل اتفاقاتی که درباره حمله به خاک کشور افتاد و با وجود احتمال بالای حمله، هیچ برنامه‌ریزی یا سناریوی مشخصی نداشتیم. فرماندهان ارشد نظامی ما با علم به تهدید، بدون هیچ تمهید حفاظتی، یا در مقر مانده بودند یا در منازل شخصی‌شان. هیچ پروتکلی وجود نداشت که بگوید در شرایط بحرانی کجا باید بروند، چه سیستمی فعال شود، از چه ابزارهایی استفاده نکنند و چطور با هم ارتباط داشته باشند. وقتی در خبرها می‌بینیم فرماندهی با دیگران تماس می‌گیرد و می‌گوید، احتمال حمله وجود دارد اما خودش در همان محل باقی می‌ماند جای سوال جدی دارد! در یک سیستم حرفه‌ای، فرمانده تنها نیست؛ کنار او باید یک فرمانده امنیتی حضور داشته باشد تا از پروتکل تبعیت شود. اینجا اما رفتار فردی جایگزین ساختار سازمانی شده است. او ادامه می‌دهد: سؤال مهم دیگر این است که اطلاعات حساس، مکان فرماندهان، مراکز نظامی و هسته‌های چگونه درز کرده؟ اینها باید از سوی پدافند غیرعامل پیگیری و به مردم گزارش داده می‌شد. اما متأسفانه در روزهای اول، هیچ مسئولی نه پاسخ داد، نه حضور رسانه‌ای داشت، نه حتی

حدود ۵۰ پرونده در تهران برای متخلفان فضای مجازی خبر داد و افزود: «۱۰ نفر بازداشت شده‌اند و برخی نیز با قرار مناسب آزاد هستند». وی در خصوص پلتفرمی که اطلاعات شرکت‌ها و اشخاص را منتشر و امنیت دانشمندان کشور را تهدید می‌کرد، اظهار داشت که پرونده‌ای در دادرای امنیتی تهران تشکیل و افراد مرتبط احضار شده‌اند.

بازسازی زندان اوین و بررسی پرونده‌های آسیب‌دیدگان

سخنگوی قوه قضاییه همچنین از آغاز فوری بازسازی این زندان خبر داد و اعلام کرد که اولین گروه از زندانیان پس از ترمیم فضا به اوین بازخواهند گشت. کمیته‌ای نیز برای برآورد خسارات به زندانیان، خانواده‌های آنان و اموال مردم اطراف زندان تشکیل شده و دولت مسئول جبران خسارت‌های وارده به شهروندان خواهد بود. او در پاسخ به سؤالی درباره ممنوعیت‌های مربوط به اینترنت ماهواره‌ای (استارلینک) و نحوه اجرای قوانین مربوطه تأکید کرد که دستگاه‌های اجرایی و نظارتی موظف به اجرای مصوبات مجلس هستند و در صورت گزارش تخلف، قوه قضاییه ورود خواهد کرد.

به مردم گفت چگونه در صورت حمله عمل کنند. سیستم‌های پناهگاهی فعال نشدند، مکان‌های امن معرفی نشد و تمام بار مدیریت بحران بر دوش مردم افتاد. به اعتقاد او؛ نکته تأمل‌برانیز، سطح پاسخ‌ها بود. رئیس سازمان پدافند غیرعامل بعد از ۱۰ روز آمد و کل گزارشش را در این جمله خلاصه کرد که «فرماندهان با نرم‌افزار خارجی ردیابی شده‌اند». این پاسخ، توهین به شعور مردم است. مردم ایران فهمیدند و انتظار دارند، گزارش دقیق و کارشناسی بشنوند. وقتی کسی ۱۷ سال در رأس سازمانی بوده باید بتواند نشان دهد که از نقطه الف به نقطه ب رسیده است. اما شواهد چیز دیگری نشان می‌دهد. متخصصان برجسته در کشور داریم، حتی در دانشگاه‌هایی مثل شریف، اما از آنها دعوت نشده که ساختار پدافند کشور را بازطراحی کنند. اگر قرار است ما یک کشور قدرتمند بمانیم و جلوی تکرار این فجایع را بگیریم باید تغییر ساختاری، تغییر مدیریتی و استفاده از نتایجان علمی را مطالبه کنیم. در غیر این صورت باید منتظر فاجعه‌های بعدی باشیم.

کار از کار گذشته!

مجید مقدری، کارشناس فناوری اطلاعات هم در گفت‌وگو با «سازندگی» توضیح می‌دهد که عملاً در این شرایط هیچ کاری از دست پدافند غیرعامل بر نمی‌آید. به گفته او؛ سازمان پدافند غیرعامل دارای درجه‌بندی‌هایی مشخص است: سفید، نارنجی، قرمز؛ که خود سطح قرمز نیز به سه سطح تقسیم می‌شود: سطح یک، سطح دو و سطح سه. در همه این سطوح، پدافند غیرعامل نقش‌آفرین است، به‌جز در شرایط خاص قرمز سطح سه، یعنی جایی که تهدید به مرحله یقین رسیده است و وارد فاز درگیری عملیاتی می‌شوم. او ادامه می‌دهد: برای مثال «قرمز ۱۰۵» نوعی از وضعیت قرمز سطح سه است که تهدید قطعی و بالفعل تلقی می‌شود ولی در آن همچنان حضور پدافند غیرعامل موضوعیت دارد. اما در سطحی مانند «قرمز ۶۳» که درگیری به‌صورت عملی آغاز شده و کشور درگیر جنگ آشکار است، اساساً پدافند غیرعامل از چرخه تصمیم‌گیری و اقدام کنار می‌رود. طبق دستورالعمل‌های موجود، در چنین شرایطی پدافند غیرعامل باید عملیات «راهسازی» را انجام دهد؛ یعنی امور را به پدافند عامل (یعنی نیروهای نظامی) واگذار کند. از آن لحظه به بعد این پدافند عامل است که باید کنترل کامل امور کشور را در دست بگیرد. به گفته این کارشناس؛ واقعیت این است که در شرایط فعلی- که عملاً وارد وضعیت جنگی شده‌ایم، هرچند با توافقی نانوشته با آتش‌بسی ناپایدار مواجهم- دیگر زمان نقش‌آفرینی پدافند غیرعامل به پایان رسیده است. اکنون آنچه ادامه دارد، جنگی پنهان و ترکیبی است و با توجه به دستورالعمل‌ها در چنین شرایطی اساساً جایگاهی برای برنامه‌ریزی و مداخله فعالانه پدافند غیرعامل وجود ندارد. او می‌گوید: متأسفانه در زمان پیش از جنگ، پدافند غیرعامل باید برنامه‌ریزی می‌کرد. باید دفاع سایبری را تقویت می‌کرد، هشدار و اخطار را جدی می‌گرفت و برای استحکامات و پناهگاه‌ها طرح‌ریزی می‌کرد. اما هیچ‌کدام از این تدابیر در آن زمان اتخاذ نشد. اکنون که وارد مرحله درگیری شده‌ایم، بر اساس دستورالعمل‌ها، پدافند غیرعامل باید خود را کنار بکشد و مسئولیت کامل را به نیروهای نظامی واگذار کند. مقدری تأکید می‌کند: در چنین وضعیت پیچیده‌ای که کشور تحت حملات سایبری و نظامی قرار دارد و فضای داخلی نیز کاملاً قابل مدیریت نیست، نمی‌توان انتظار داشت که پدافند غیرعامل اکنون وارد عمل شود. البته شاید در برخی حوزه‌ها هنوز بتوان اقداماتی انجام داد اما واقعیت‌نامه اگر نگاه کنیم باید ابتدا بررسی کرد که در این مقطع اساساً امکان مداخله و برنامه‌ریزی مؤثر وجود دارد یا خیر. باید دید آیا شرایط و ظرفیت‌ها، اجازه اقدامی عملیاتی را می‌دهند یا نه؟

پرونده باز همتی
در ادامه نشست، سخنگوی قوه قضاییه به سؤالاتی درباره وضعیت پرونده‌های برخی چهره‌های سیاسی پاسخ داد. به گفته وی، پرونده‌ای برای عبدالناصر همتی در دادرای کارکنان دولت تشکیل شده و تحقیقات درباره پرونده مصطفی میرسلیم در مراحل نهایی قرار دارد. وی همچنین در پاسخ به سؤال خبرنگاری درباره اظهار نظر‌های اخیر برخی حقوقدانان نظیر آقای برهانی، گفت: «برای هر فردی که در زمین دشمن بازی کند، در صورت لزوم پرونده قضایی تشکیل خواهد شد.

وعده کنترل گرانی‌ها

در پایان، جهانگیر به موضوع گرانی‌های اخیر نیز اشاره کرد و از صدور بخشنامه‌ای توسط دادستانی کل کشور برای برخورد با احتکار، گران‌فروشی و برهم زندگان نظم بازار خبر داد. وی اعلام کرد که کارگروه‌هایی در استان‌ها برای رصد شرایط بازار و انجام اقدامات فوری تشکیل شده‌اند و قوه قضاییه آمادگی دارد به محض دریافت گزارش تخلف، ورود کرده و با متخلفان برخورد کند.

محیط زیست

۳۰ سال سوء مدیریت

چرا آلودگی دست از سر تهرانی‌ها برنمی‌دارد

آلودگی هوای تهران در روزهای اخیر به حدی رسید که کیفیت زندگی شهروندان را به طور جدی تحت تأثیر قرار داد. گرد و غبار شدید، ذرات معلق و آلایندهای هوا، آسمان پایتخت را تاریک و نفس کشیدن را دشوار کرده است. عباس محمدی، فعال محیط‌زیست و مدیر انجمن دیدبان کوهستان در گفت‌وگو با خبرآنلاین، دلایل این بحران را ترکیبی از سوءمدیریت، مشکلات ساختاری و نادیده گرفتن راهکارهای علمی می‌داند. او می‌گوید، آلودگی هوای تهران مساله‌ای نیست که به تازگی رخ داده باشد بلکه بیش از ۳۰ سال است که این معضل ادامه دارد و متأسفانه نه تنها حل نشده بلکه شدت آن نیز افزایش یافته است. محمدی اشاره می‌کند که در سال ۱۳۷۴ جمعی از کارشناسان و استادان دانشگاه با انتشار بیانیه‌ای درباره آلودگی هوای تهران هشدار داده و راهکارهایی از جمله بهبود حمل‌ونقل عمومی، جلوگیری از استقرار صنایع آلاینده در اطراف شهر و توسعه فضای سبز ارائه کردند. اما به دلیل مشکلات مدیریتی و نبود اراده سیاسی، این راهکارها به مرحله اجرا نرسیده‌اند. او همچنین تأکید دارد که حدود ۸۰ درصد آلودگی هوای تهران ناشی از عوامل انسانی مانند گرد و غبار و خودروهاست و تنها ۲۰ درصد آن به عوامل طبیعی مربوط می‌شود. خشک شدن تالاب‌های مهمی مانند بندعلی‌خان و صالحیه، که بر اثر سدسازی‌های نادرست و ساخت‌وسازهای غیرقانونی در مسیر رودخانه‌ها به کانول‌های گرد و غبار تبدیل شده‌اند، یکی دیگر از دلایل اصلی بحران است. محمدی معتقد است، نبود نظارت کافی بر برداشت‌های آب غیرمجاز از رودخانه‌ها نیز این مشکل را تشدید کرده است. از دیگر عوامل مهم، برج‌های سازه‌ای بی‌رویه در غرب تهران است که جریان طبیعی باد را در سطح شهر مسدود کرده و مانع تهویه هوا می‌شود. برخلاف اظهارات برخی مسئولان، محمدی می‌گوید این ساختمان‌های بلند در خرداقلیم شهری باعث می‌شوند، آلودگی در سطح زمین تجمع یابد. همچنین افزایش تعداد موتورسیکلت‌ها که در یک دهه گذشته ۱۰ برابر شده و کیفیت پایین سوخت تولید داخل به افزایش آلایندها دامن زده است. محمدی می‌گوید، تولید سوخت‌های غیراستاندارد و بی‌توجهی به استانداردهای زیست‌محیطی سلامت شهروندان را به خطر انداخته است. تبعات این وضعیت به حدی است که حتی ورزش کردن در تهران به دلیل شدت آلودگی خطرناک شده و فدراسیون کوهنوردی نیز به شهروندان توصیه کرده که از کوهنوردی در این شرایط خودداری کنند. به گفته محمدی، حل این بحران نیازمند اصلاحات گسترده در ساختارهای مدیریتی و سیاسی است و بدون تغییر در این حوزه‌ها، تهران همچنان با مشکلات جدی زیست‌محیطی روبرو خواهد بود.

